

آقای مغیردارند در قانون ثبت اسناد در آنجا يك جهات مشروعي دارد كه مقیاس برای اینجا نه شود چون در آنجا محدود است بعضی اشخاص و اینجا محدود نیست و این عرض بنده از خود آنمواد قانون بیرون میآید اما اینجا يك مجازات تقدیرامانیتوانیم تصدیق بکنیم كه بگیرند و اگر آن جزیرا كه آقای مغیر فرمودند كه يك چیزی از بابت حق الزحمه و حق العمل بنویسند اگر حق العمل بنویسند میتوان يك راهی برایش پیدا كرد و امیدواریم كه بعد از این در این مملكت بدیجوت لفظ جریمه گفته نشده چه بلفظ قانون باشد و اینرا هم عرض میکنم كه بنده بلفظ يك تومان از بابت حق الزحمه یا حق العمل میتواند بردارد یا خرواری بنجقران مخالف نمیشود گفت قیمت گندم يك میزان نیست فرضاً درجائی است كه گندم خرواری يك تومان قیمت تمامی آن باشد الان در ایران هست جاهائيكه خرواری يك تومان است پس خوب است به نسبت قیمت این حق العمل را معین بکنیم مثلاً بگوئیم از قیمت فروش صدی ۲ صدی ۵ بیشتر میل دارد بگوئید صدی ۲۰ اما اصل مبلغ باید نسبتش بآن چیزيكه از فروش بیرون میآید باشد و نمیشود برای این يك قیمت دائمی را معین كرد كه شاید بگوئیم اسباب زحمت باشد .

حاج سید ابراهیم - بنده متذکر میکنم خا ل آقای حاج و کبیل الرعايا را همین قانونی را كه میفرمایند در حضور عده از علمای در مجلس گذشت و آنها زیاد ملتفت بودند كه خلاف شرح نباشد دولت می تواند بعنوان مالیات چیزی وضع كند و این بعنوان قانون مملكتی است و اینجا میگوید كه كسیكه در اینجا جنس احتكار شده كه باید در این موقع بفروش برسد خرواری يك تومان دولت میگیرد تا جای نقدی هم در شرح هیئت تمام ابواب كفارات جزای نقدی است جزای نقدی غیر از لفظ جریمه است قانون ثبت اسناد كه اینجا گذشت چندین جا جزای نقدی بود كه گذشت جریمه غیر از جزای نقدی است یعنی كسیكه تخلف از قانون بكنند كه یازدن است یا كشتن باشد پس این يك چیزی نیست كه مخالف باشد و حق الزحمه هم میشود عنوانش را گذاشت بهر حال خرواری يك تومان و خرواری پنج هزار هیچ ضرر ندارد و اینجا هائيكه گفتند خرواری يك تومان زیاد است و در تمام ایران علی السویه نیست در آنجا احتكار صدق پیدا نمیکند و محتاج الیه نمیشود تا اینکه كم باشد و گران باشد

رئیس - مذاكرات گویا كافی باشد اصلاحی از طرف آقای افتخار الواعظین پیشنهاد شده خواننده میشود (اصلاح مزبور بعبارت ذیل خواننده شد)

بنده پیشنهاد میكنم كه ماده (۴) اینطور اصلاح شود كه در موقبع هیئت مصدقه تصدیق حاجت اهالی را برای كمی آذوقه و تنگی فوت بنمایدالی آخر

افتخار الواعظین - اینجا نوشته مادامی كه هیئت مصدقه تصدیق كمی جنس را بكنند كمی جنس میزانی ندارد ممكن است كه حاكم يك معنی مطابق آن تعلیميكه بأمورین بندی داده شده است بگوید آنچه بأمورین بنده تحقیق کرده اند در حالتی كه خوراك این شهر كه روزی صد خوراك است روزی دو خوراك کمتر وارد میشود و بگندم دارها بگوید كه شما گندممان را بفروشید و اگر نفروختند می آید

می فرودند و آن حق الزحمه را بر میدارد اینجا میزان تصدیق هیئت مصدقه است دهر وقت كه مردم محتاجند برای كمی آذوقه و برای تنگی غله آنوقت باید احتیاط بكنند میزان ما حاجت اهالی است نه اینکه كم بودن شاید در خود شهر كم است و در نیم فرسخی زیاد باشد دوست هزار خروار غله در خارج است امروز نیاز دارند فردا وارد میکنند مناط حاجت عامه است

حاج شیخعلی - در اینصورت مجلس حاجت را خواهند گفت وقتی است كه مردم مردند و باین ترتیب نمی توانیم جلو گیری بكنیم و بزحمت بنفتم

رئیس - رای می گیریم در قابل توجه بودن اصلاح آقای افتخار الواعظین آقایانيكه تصویب می كند قیام نمایند (عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد اصلاح دیگری از طرف آقای افتخار الواعظین پیشنهاد شده قرائت میشود بنده پیشنهاد میکنم كه حق الزحمه مأمورین از قیمت گندم فروخته شده صدود معین گردد

افتخار الواعظین - بهمان طئی كه آقای حاج و کبیل الرعايا فرمودند كه قیمت گندم اختلاف پیدا میکند بهمین جهت بنده پیشنهاد كردم صدود و اصراری هم صدی دو ندارم ولی عرض می كنم كه ما باید مناط را قیمت گندم فروخته شده قرار بدهیم حالا میزان راهرطور كه صلاح می دانند كه حق الزحمه متوجه باشد بقیمت گندم بهر قیمتی فروخته شده است بی میزان قیمت گندم فروخته شد صدی دو صدی سه صدی پنج بگیرند نه اینکه بگوئیم در هر جا خرواری ۱ تومان بگیرند

رئیس - مغیر چه میگویند

حاج شیخعلی - صدی دو چنین معلوم میشود كه اگر صدمن را دولت زحمت كشیده فروخت آن وقت از صدمن چهار قران بگیرند چهار قران قیام داری نخواهد بود

رئیس - رای می گیریم باصلاح آقای افتخار الواعظین در صدی دو آقایانيكه تصویب میکنند قیام نمایند (عده قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد (سه فقره اصلاح دیگر پیشنهاد شده قرائت میشود) (بترتیب ذیل خواننده شد)

(۱) از طرف آقای میرزا داود خان بمضمون ذیل خواننده شد

بنده پیشنهاد می كنم كه حق الزحمه از قرار ده يك از عین جنس داده شود

(۲) از طرف آقای آقامیرزا ابراهیم قمی بنده پیشنهاد می كنم كه دولت صدی ده حق بر دارد

(۳) از طرف آقای ادیب التجار بنده پیشنهاد می كنم كه خرواری يك تومان حق الزحمه بگیرد

رئیس - پیشنهاد آقای ادیب التجار همین ماده است پیشنهاد آقامیرزا داود خان و آقای قمی تقریباً یکی است ولی آقا میرزا داود خان پیشنهاد کرده اند از عین جنس بردارند

آقا میرزا داودخان - عرض كنم آن محظوری كه آقای حاج و کبیل الرعايا گفتند درجائيكه هم كه قیمت نازل دارد این شامل آنها خواهد بود

و بآنها تعدی نشده است - ب علاوه اینکه حق الزحمه را از عین جنس بر دارند بالطبع قیمت جنس را باین خواهد آورد

حاج شیخعلی - ما مقصودمان از این گرفتن دخل دولت نیست مقصودمان حق الزحمه است و صدی ده را بنده زیاد می دانم اگر صدی ۵ پیشنهاد كنند بنده قبول میکنم

آقا میرزا ابراهیم قمی - بنده پیشنهاد خودم را مسترد می دارم و پیشنهاد آقامیرزا داودخان را قبول میکنم

رئیس - رای می گیریم باصلاح آقا میرزا داود خان كه آقای قمی هم قبول كرده است آقایانيكه این پیشنهاد را قابل توجه می دانند قیام نمایند (عده قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد

حاج شیخعلی - بنده خودم پیشنهاد میکنم كه در صدی ۵ از عین جنس داده شود

رئیس - رای میگیریم بخود ماده چهارم بهمین ترتیب با تبصره كه خوانده شد آقایانيكه ماده چهارم را با تبصره تصویب میکنند قیام نمایند (عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد - چند فقره عرایضی كه راجع بامتداد مجلس است را راپورت كمیسیون عرایض بانكرا فاتیك رسیده است جزء دستور امروز است لازم است داخل مذاكره آن بشوم یا برای جلسه بعد بگذاریم (گفته جلسه بعد در اول جلسه مطرح شود)

رئیس - چون وجود وزراء لازم بوده از اینجهت سؤال كردم (گفته شد صحیح است)

رئیس - پس رای میگیریم آقایانيكه تصویب میکنند جلسه بعد مذاكره بكنیم قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد - دستور جلسه روز شنبه اول مذاكره در باب تمدید مجلس - بعد راپورت كمیسیون فوائد عامه راجع بنخم نوغان - ثالثاً راپورت كمیسیون بودجه راجع بابواب لطف الله و ابتهاج السلطنه راپورت قانون شركتها تاروز شنبه نخواهد رسد جزو دستور بگشینه خواهیم گذاشت و چون كار زیاد است خواهش دارم كه بگشینه هم مجلس باشد .

حاج شیخ الرئیس - پیشنهادی بامضای جمعی از نمایندگان تقدیم شده برای انعقاد كمیسیون بودجه در پنجشنبه .

رئیس - بله راجع بحسام همايون جزء دستور شنبه میگذاریم خواهش دارم كمیسیون محاسبات روز شنبه منعقد بشود آقای ارباب كبشخرو و سایر مباشرین راپورتی دارند كه باید بكمیسیون بنهند و روز يكشنبه بمجلس بیایند خواهش دارم كه روز شنبه صبح كمیسیون محاسبات منعقد شده مجلس يك ساعت و نیم از شب گذشته ختم شد .

جلسه ۳۲۰

صورت مشروح روز شنبه ۱۹ شهریور

ذبحه الحرام ۱۳۲۶

رئیس آقای مؤتمن الملك سه ساعت قبل از غروب آفتاب بجای خود جلوس نمودند و پس ازده دقیقه مجال افتتاح شد .

صورت مجلس روز پنجشنبه ۱۷ آرای میرزا رضاخان قرائت نمودند .
 غائبین جلسه قبل .
 بدون اجازه - آقایان حاج امام جمعه - آقای سید حسن مدرس - آقای حسینی خان .
 مریش - آقای میرزا علی اکبر خان دهمخدا و آقای آقا سید محمد باقر ادیب .
 غائب با اجازه - آقایان آقامیرزا ابراهیم خان - آقای حاج آقا آقای لواءالدوله آقایانیکه از وقت مقرر تا خیر نمانده اند آقای آقا شیخعلی شیرازی یکساعت ونیم . آقای حاج وکیل الرها یا یکساعت و ده دقیقه آقای دکتر امیرخان و آقای میرزا ابراهیم قلی یکساعت آقای دکتر اسمعیل خان آقای معتمدالتجار نیمساعت .

رئیس - در صورت مجلس ملاحظاتی هست؟
حاج شیخعلی خراسانی - ماده سیم از قانون منع احتکار بنده چنین خاطر منم که تصویب شود صورت مجلس بنده شنیدم که نوشته تصویب نشده بنده تصویب شده چهارم تصویب نشد .
رئیس - از قانون منع احتکار فقط ماده اول تصویب شد دیگر ملاحظاتی نیست در صورت مجلس (صورت مجلس تصویب شد) یکی از مطالبی که جزء دستور مجلس است مکاتبات و تلگرافاتی است که از ولایات رسیده است راجع باقی مجلس .

مهز الملک - بنده تصور میکنم که مذاکراتی که راجع بامتداد مجلس است خوب است با حضور وزراء شود که نظر آنها در این خصوص معلوم شود و تا آمدن وزراء بنده یک تقاضایی حکمردام و آن استفاده نامرآمریکائی است که اول در این خصوص مذاکره کنیم بلکه وزراء هم بیایند اگر هم بیامند بعد در آن خصوص مذاکره شود .
رئیس - این را بوقتیکه در خصوص مستخدمین آمریکائی داده شده است ماده بندی نشده است خوب است مخیر کمیسیون آنرا ماده بندی بکند و حالا شروع میشود بطلب دیگر تا ماده بندی شود **مهز الملک -** بله صحیح است .

رئیس - راپورت کمیسیون فواید عامه راجع بتخم نوغان این شور اول است .
افتخار الواعظین - برای این که چون وقت باقی نمانده است و باید تکلیف اینکار معلوم شود تا آقای محتشم السلطنه بتوانند بعضی اسباب و لوازم این کار را فراهم کنند و وزراء هم که در کمیسیون مذاکره میکردند تقاضای فوریت این لایحه را کردند این است که بنده از طرف کمیسیون تقاضای فوریتش را مینمایم که بفوریت بگذرد .
رئیس - رای میکنیم بفوریت این لایحه **منتصر السلطان -** بنده عرضی دارم .
رئیس - بفرمائید .

منتصر السلطان - این مطلب تخم نوغان خالی از اهمیت نیست که مجلس فوریت آنرا رای بدهد چون در واقع دو مطلب است بلکه ۳ مسئله راجع بدین تخم نوغان که صحیح است یا غیر صحیح که هر جمعه ۱۵ شاهی حق المعاینه گرفته میشود یکی راجع بینجاه سال مدت این امتیاز است پس چون یک

چیز جزئی نیست که بتوان بدون وقت در لو وارد شده اند میخواستیم عرض کنیم که فوریت معنی ندارد و باید دو شور شود و خیلی هم باید وقت کرد و خیلی اهمیت دارد و تقریباً چندین میلیون تومان تفاوت اینگونه چیز هست و بایده از روی دقت و غور رسیدگی شود .

افتخار الواعظین - عرض کنیم که اگر در موقع امتیاز و امتیاز دادن بود بنده عرض میکنم که مهم است و باید دو شور بشود لیکن باید بداند آقای منتصر السلطان که دولت قبلاً امتیاز داده است و این امتیاز متعلق است به آقای حاج محتشم السلطنه و این لایحه برای دو مطلب آمده است مجلس یکی آنکه حق المعاینه را در امتیاز نامه اولی بکفران معین کرده بودند و پیشنهاد مجلس سابق شده بود و مجلس سابق در پانصد دینار مذاکره کرده و برای هم داده نشده است چون در هیئت وزراء معوق بوده است وزراء مذاکراتی کرده اند بآن اشخاصی که طرف معامله هستند و یا زنده شاهی تمام کرده اند و پیشنهاد شده است بمجلس و یکی دیگر هم برای تمدید آن هفت سال است چون ایشان هفت سال مدت داشته اند و یکسال ونیم باقی است که در این مدت تخم نوغان را باید حاضر کنند و آنچه ممکن نیست برای اینستکه بتوانند تخم نوغان را باندازه کمیست محتاج است حاضر کنند .

رئیس - دلایل فوریت را بگوئید .
افتخار الواعظین - دلایل فوریت این است که آقایان مسبقاً در این مسئله تخم نوغان در مملکت مخصوصاً در مازندران و گیلان یکی از مسائل مهم است که بواسطه ضایع بودن تخم نوغان در این اواخر ضرر کلی باهالی رسیده و اگر این لایحه باین زودی و فوریت نگذرد حالا که موقع ورود تخم نوغان است و تخم نوغانهایی که وارد میکنند باید معاینه کنند و صحت و سقمش معلوم شود اگر این را حالا ننگرانند ممکن است که مثل سابق تخم نوغان فاسد وارد کنند که فساد آن اسباب خسارت برابر پشم و پله بلکه ثروت مملکت وارد شود دلیل فووتش این است .

رئیس - بیش از این مذاکره نمیشود رای میکنیم در فوریت آقایانیکه فوریت این لایحه را تصویب میکنند قیام نمایند (صدقه قلبی قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد مذاکرات در کلیات است در کلیات کسی مخالف است .
منتصر السلطان - این راپورتی را که کمیسیون فواید عامه تقدیم مجلس کرده است و تاریخ اصلی این امتیاز را از بیست و چهارم شوال ۱۳۲۳ معین کرده است از روی این تاریخ بازدهم - پنجروز باقی است که مدت این امتیاز تمام شود و امتیازش باطل شود بموجب این ورقه که در زمان استبداد داده شده است ۱۱ ماه و پنجروز است چون شرط شده است در مواد این امتیاز که دولت مدت هفت سال حق المعاینه و ۵۰ سال مدت این امتیاز را میدهد برای معاینه تخم نوغان و بنای دستگاه تخم نوغان سازی باندازه که تجار ایران لازم دارند که حالا تقریباً طرف شمال چهارصد هزار جمعه وارد میشود و طرف جنوب ایران یکصد هزار و چیزی وارد میشود اینرا تهیه بکند که البته بعد ها هم زیادت

خواهد شد که اینرا آنشخص بفروشد و ده یک از چیزی که باو میرسد بدولت بدهد و جمعه ۱۲ قران الان میفروشند در حالیکه جمعه یک قران تمام میشود این تخم نوغان و از برای معاینه این تخم نوغان در این هفت سال اول در زمان استبداد جمعه ده شاهی اجازه داده بودند و حالا بناتزده شاهی میخوانند قرار بدهند در مجلس سابق هم این مسئله خیلی مطرح مذاکره شد و وکلا آن دوره هم که الان موجودند و بعضی از آنها هم حالیه در همین مجلس حاضرند از آنجمله آقای حاج سید نصرالله و غیره است و دیگر روزنامه مجلس است که اگر رجوع بفرمائید آقایان نمایندگان در آن روزنامه مخصوصاً در این خصوص نطق و کلام سابق که کرده اند معلوم میشود از آنجمله بنده خودم دیدم در آن روزنامه نطق آقای شاهزاده اسدالله میرزا را که یکی از نمایندگان مجلس شورای ملی در آن زمان بوده است مسامحت و همراهی کرده اند در صورتیکه اگر دقت کنند و نگاه کنند تمام آن روزنامه آندوره می بینند که مجلس هرگز این امتیاز را قابل مذاکره ندانست و رد کرد و اگر دوسیه اینکار بود معلوم میشد و این جهت مخالفت بنده و اما چرا بنده شخصاً در کلیات این لایحه مخالف هستم این را میگویم وقتی که دولت ایران مبادیه تحمیلی بر ملت خودش بکند برای آسایش و ترفیه و راحتی نوع و ترویج تجارت و زراعت مملکت خودش و غیره و غیره است پس آن تحمیلی را که میکند باید ببینیم که در یک مدت بینجاه سال که سالی پانصد هزار جمعه از طرف شمال و جنوب که امروزه داده میشود تمامش که جمعه یک قران تمام شود میشود ۵۰ هزار تومان و اجازه میدهد دولت که او را بفروشد جمعه ۱۲ قران این میشود ۶۰۰ هزار تومان و بدولت چه میدهد ۶۰۰ هزار تومان و در ۷ سال اول هم که حق المعاینه میکرد باین قرارداد که کمیسیون محترم داده است یا زنده شاهی بگیرد این میشود چهار و چند هزار تومان ده یک او را بدهد و بعد آنچه معاملاتی که راجع باین معامله است تبر چسبانیده و الصاق تبر را هم تماماً از گمرک بگیرد و نصف یو تبر را بدهد بگمرک و نصف دیگر را هم خود صاحب امتیاز بگیرد آیا این ترتیب را هیچ وجدان یا کی اجازه میدهد که در مدت بینجاه سال سالی شصده هزار تومان بیک نفر از جیب این رعایای بیچاره بدهند که سالی شصت هزار تومان بدولت بدهد اگر فرضاً مجلس شورای ملی بخواهد جعل و وضع مالیاتی بکند برای پیشرفت امور مملکت چه ضرری دارد این تحمیلی را که دولت بملت میکند ممکن است شخصاً این تجارت را این تخم نوغان را خودش اداره بکند یعنی بیست دولت خودش این کار را بکند و این دخل را خودش ببرد از رعایای خودش و در موقع هم از طرف اداره گمرک و وزارت مالیه آن تخم را ببینند و آن حقوق را دریافت کنند پس بنده این امتیاز را که بیکنفر پنججاه ساله داده شود که هفت سال هم حق ملاقات بگیرد مال جمعی از تجار و رعایای بیچاره را و چه و سه سال دیگرش را هم آن تخم را جمعه دوازده قران بفروشد در صورتی که جمعه یک قران تمام میشود

این امتیاز را بدهیم که ده یک بدولت ایران بدهد یا این ادله مخالفم و اگر مجلس شورای ملی صلاح میدانند بدولت اجازه بدهد که اینرا خود دولت بفروشد و اگر مالیاتی گرفته میشود خود دولت بگیرد چرا بدیگری بدون جهت واگذار کنیم .
افتخار الواعظین - بنده اطلاعات شخصی خودم را که در باب تخم نوغان وزارت بیبه دارم عرض میکنم بعد ادله آقای منتصر السلطان را یک یک رد میکنم که بدانند اینطور نیست در بیکی از سالهایی که بنده در گیلان بودم زراعت تخم نوغان باندازه خوب شده بود که آنسال را که تخمین زده بودند که بدانند چه اندازه تخم نوغان بعمل آمده است و چقدر از گمرک رد میشود صورتیکه گمرک داد هفت کرور تومان بود بعد یکصد و شصت و شصت و شصت در گیلان آمدند و از برای خودشان این تخم نوغان فروشیرا یک نوع از تجارت قرار دادند و تخم های نوغان را هم از فاسد و صحیح در میان کسبه میریختند میآوردند گیلان و آنوقت در جمعه میریختند در موقع فروش هم آقایان نمایندگان همه اطلاع دارند که میان خودشان یک اتحاد و اتفاق می کردند یعنی هم عهد میشدند که اگر تخم نوغان فاسد شود بریزیم و از زمان نهم مگر بایی دو تومان بیست و پنج هزار سه تومان بفروشم در یک موقعی شد که یکبار سه تومان و دوهزار هم فروختند و همان طوریکه فرمودند شاید جمعه بیکقران برای آن ها تمام میشد و فوایدیکه از این راه برده اند اینکشان همان اکتفا کرده بودند تخریبی ضایع را هم آوردند و فروختند و سالیانی که بنده آنجا بودم هفت کرور تومان عایدی باهالی گیلان می داد دوسال بعد رسید بدو کرور تومان برای اینکه از طرف دولت کسی نبود که رسیدگی کند و برود معاینه کند و تخم های نوغان فاسد را از صحیح تمیز بدهد مردم خریدند و زحمت کشیدند در موقع بردن حاصل حاصلشان فاسد شد و کرورها بگیلان و اهالی گیلان ضرر و صدمه وارد آمد و حالا برای اینکه باین زراعت بزرگ در گیلان لطمه نرسد گفته اند در هفت سال از قرار جمعه یا زنده شاهی حق المعاینه بگیرند و اما این را که دولت با آقای حاج محتشم السلطنه داده است با این ادله بود که عرض کردم دولت با حاج محتشم السلطنه قرارداد کرده که دو کار بکند یکی آنکه در خود داخله در مدت هفت سال باندازه احتیاج اهالی تخم نوغان فراهم کنند که سالی مالیاتی بول مملکت ایران بخارجه نرود و یکی دیگر آنکه مادامی که باندازه احتیاج داخله فراهم نشده است آن تخم نوغانهایی که وارد میشود باندازه بین و ادوات و آلات و اسباب علمی اشخاص را تعیین کرده اند و باینه و رسیدگی بکنند که مبادا باز اسباب خسارت اهالی ایران شود و صدمه برای این زراعت بزرگ شود پس فواید این از برای مملکت هیچ محل گفتگو نیست و بنده عرض میکنم این مسئله سالی مبلغها از برای ایران قائده دارد برای گیلان تنها این مسئله سالی کرور ها منتفع دارد بجهت اینکه تخم نوغان را هنوز هم از خارج میآوردند و برای آنکه آن تخم نوغانهایی که از خارجه می آوردند معاینه کنند خیلی خوب است خیلی فائده دارد و ممکن است که مبلغها از این ترتیب تا زمانی که خودمان در داخله تخم نوغان عمل نیاورده ایم برای

اهالی مملکت فائده داشته باشد و اینکه فرمودند که مجلس سابق این امتیاز را رد کرد مجلس سابق این امتیاز را رد نکرد گویا اشتباه فرموده اند وقتی که در این باب صحبت کردند وزارت امور خارجه بایکی دوسر از سفرای محترم مذاکره کرده بود بیک نفرشان بکفران را قبول کرده بود و یک نفر دیگر پانصد دینار قبول کرده بود این بود که آوردند بمجلس سابق در مجلس سابق مذاکره شد آقایانیکه تصویب کرده اند یا تصویب نکرده اند هنوز نقطه ایشان هست رجوع کنند بنقطه های سابق نمایندگان معلوم میشود فقط شاهزاده اسدالله میرزا ایراد کردند که ما می خواهیم بدانیم که مدت این حق المعاینه تا چقدر است و حال آنکه در فصل ۱۵ خود این امتیاز نامه مصرح است که مدت هفت سال است چون این اشکال را کردند رئیس محترم مجلس آقای حاج احتشام السلطنه بودند گفتند پس باشد تا تحقیق کنیم و در جلسه دیگر رای بگیریم بعد در جلسه دیگر اتفاقاتی افتاد و سوانحی پیش آمد که رای نتوانست بگیرند پس اینکه فرمودند مجلس سابق رد کرده است خیررد نکرده است تماماً میفرمایند که می خواهند یک تحمیلی ترتیب نمایند خیر این یا زنده شاهی تحمیل ترتیب نیست کسانیکه تجارت این تخم نوغان را می کنند در گیلان یک نفر یا دوسر هستند که اتباع داخله هستند بجز از یک نفر و دو نفر تمام اتباع خارجه هستند که از خارجه این تخم نوغان را وارد می کنند و حالا می گویند این تخم را که وارد می کنند معاینه کنند که تخم فاسد برود فروشد و یک مرتبه کرور بزراعت و فلاحت مملکت ضرر وارد نیاید ثالثاً فرمودند وقتی که مجلس شورای ملی تحمیلی می کند باید اسباب زیادی تجارت و فلاحت مملکت باشد بلی مجلس شورای ملی اگر امروز رای بدهد اینجا برای زیادی تجارت است برای فائده مملکت است اشتباه نشود ما امروز نمی خواهیم امتیاز بدهیم فقط آن مدت هفت سال که داشته است صاحب امتیاز ه سال و چند روز بر اومی افزاییم و اینهم در حالی است که سابق این امتیاز را داده اند بدون اینکه دولت کمک کند خود حاج محتشم السلطنه فرستاده است از اروپا منم اجیر کرده است اسباب و لوازم این کارها را فراهم کرده است و دوسال هم در گیلان بوده است و این تخریب را معاینه کرده است بعد این انقلابات اخیر گیلان اسباب برجین این کار شده است و آنچه می فرمایند وجدان یک نمایندگان البته وقتی که نمایندگان محترم دیدند که یک امتیازی داده میشود بیک نفر از افراد ملت ایران در صورتیکه بملت هم تحمیلی نیست و اسباب زیادی ثروت و ترویج فلاحت ایران هم هست البته وجدان پاکشان تصدیق خواهد کرد که تصویب بکنند آنچه را که از طرف وزراء پیشنهاد شده است .

حاج شیخعلی - این امتیاز نامه که سابق داده شده است یکی امتیازی بوده است که یک شخص گرفته است بجهت اینکه تخم کره ابریشم بجهت این مملکت تهیه کند اگر تا هفت سال تهیه کرد که این امتیاز و آن شرایط دیگر در حق او بر قرار است و اگر نکرد این امتیاز از درجه اعتبار ساقط است این اصل امتیاز سابق است و از آن تاریخ تا حال ۶ سال ونیم

است که ۶ ماه دیگر باقی مانده فرضاً هشت ماه ده ماه باقی مانده باشد و در این مدت هر چه بنده دیدم تخم کره را تمام از خارجه می آوردند و آن تصویبیکه دولت داشته است که تخم کره در داخله بعمل بیاید یعنی در همین جا بعمل بیآورند که بول ایران بخارجه نرفته باشند بنده است حالا بنده آنست را تمهید بهمنه و چند سال بر آن مدت اضافه کنند یعنی تصدیق امتیاز بینجاه سال داده شود یعنی بعد از این مدت تازه بیاید تهیه بکنند عیبی ندارد بیاید بکنند این را بنده نمیتوانم تصویب کنم مخیر فرمودند که هفت کرور یا ۵ کرور تخم نوغان در داخله فروخته شده است ما که هنوز تخم نوغان در داخله ندیده ایم تمام تخمها را از خارجه وارد کرده اند این هفت کرور را فرض ۴ کرور یا سالی یک کرور آنوقت یا زنده شاهی خیلی خواهد بود اگر فی الواقع دولت لازم میدانند اینمطلب را خودش خوب است این کار را اداره کنند و این جمعه ۱۵ شاهی را بجهت خودش بگیرد چه ضرر دارد که ما خودمان اداره نکنیم و بدهیم بنیر آقای مخیر گمان نکنند که این ۱۵ شاهی از کسبه اهالی این مملکت نمیرود بجهت اینکه آنکسکه دارای تخم نوغان است این یا زنده شاهی را علاوه می کند روی قیمت تخمهای نوغان ابتدا ضرر باو نمیشود حالا ما بیایم یک دخل فوق العاده را که اداره کردنش بهیچوجه از برای ما ضرری ندارد بدهیم یک کس دیگری این هیچ جهت ندارد .

افتخار الواعظین - بنده برای اینکه جواب آن اشتباه را عرض کرده باشم جواب آقای حاج شیخعلی را بدهم ولی جواب سایر ایرادات ایشان بسایر آقایان محول میکنم که موافق هستند ولی این را خواستم عرض کنم اینکه فرمودند که بنده عرض کرده ام سالی پنجکرور تخم نوغان وارد میشود بنده عرض کردم در یکی از سالهایی که بنده در گیلان بوده ام حاصل رسید به هفت کرور و بواسطه تخریبهای فاسدی که وارد کرده بودند دوسال دیگر آن هفت کرور رسید بدو کرور و بواسطه فاسدی او ۵ کرور صدمه وارد آمد باهالی گیلان نه اینکه ۵ کرور تخم نوغان وارد شده است اینکه آقای منتصر السلطان می گویند سالی هشتصد هزار جمعه تخم نوغان از خارجه وارد میشود آنهم آنطور نیست بموجب آن چیزی که دولت از گمرک تحق کرده است منتهاش سالی سیصد هزار جمعه بیشتر وارد نمی شود .

رئیس - مذاکرات در کلیات کافی نیست (بعضی گفتند کافی است بعضی گفتند کافی نیست)
رئیس - رای میکنیم که مذاکره کفایت یا کافی نیست آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام نمایند . (صدقه قیام نمودند)
رئیس - معلوم می شود که مذاکرات کافی نیست .
ادیب التجار - اولاً خیلی لازم بود که معاون وزارت فواید عامه در اینجا تشریف داشته باشند در مذاکرات یک چنین امتیاز مهمی دفاع نمایند برای دفاع لازم بود که باشند نسبتاً از قراریکه بعضی نوشتجات را خود دیدم که از درشت بعضی تجار معتبر نوشته

بودند کدر طهران هم هستند آن تجاری که معتبر و توفیق هستند و طرف و قوق و زرار هم گویا باشد دو جبهه ده شاهی مخارج ماینه را قبول نکنند در صورتیکه تمام مخارج بعهده خودشان باشند و نصف را بدولت بدهند یعنی پنجشاهی را خودشان بپردازند پنجشاهی هم بدولت بدهند در این صورت باز هفدهم این است که این کار را خود دولت اداره کند چهرادر بعضی موارد که میگوئیم از هفده دولت شاید خارج است و شاید بواسطه توسعه ادارات خرج دولت مزید بر دخل میشود اینکار اینطور نیست بجهت اینکه این راجع بیکلیات است راجع بسایر نقاط مملکت نیست و از قرار آنکه آدهم بصیر توضیح داده اند سالی ۶ هزار تومان مخارج اشلو کردن این کار است اگر بخواهند این کار را اداره بکنند و شعبه از گمرک یا مایه باشد ممکن است اداره گمرک و گذار کنند که خود اداره گمرک این کار را اداره کنند و قیماً سالی ۶ هزار تومان یا هفت هزار تومان بیشتر مخارج ندارد در صورتیکه بیشتر از این مبلغ نیست خوبست با خود دولت باشد این است که بنده مخالفم و مخالفتم را هم عرض کردم در این صورت چه لازم است که این امتیاز را تجدید کنیم.

دکتر سعیدالاطباء - اینجا خیلی مذاکرات شد از آنجمله آقای ادیبالتجار شکلی صحبت فرمودند مثل اینکه یک امتیازی است که تازه بتجاس آمده است و حالا میخواهد بگذرد اگر چه آقای افتخار - الواعظین اینجا اظهار فرمودند که این امتیاز داده شده است و آنطوریکه آقای حاج شیخعلی فرمودند هفت هشت ماه دیگر باقی مانده است بنده عرض میکنم این امتیاز شخصی است و اگر درست دقت بفرمائید چهارده یا نوزده ماه دیگر باقی مانده است و این مسئله امتیازی که گرفته شده است یعنی آقای محتشم السلطنه گرفته اند باید دید که خودشان وارد این مذاکره شده اند یا نه چون از طرف اهالی گیلان در موقعی که مرحوم مظفرالدین شاه بفرنگ میرفت شکایت زیادی داشته و مذاکره کردند که تخم نوغانیکه می آید از خارجه قریب دو نلش فاسد است و این واسطه ضرر فوق العاده وارد می آید باهالی گیلان در این موقع هم آقای محتشم السلطنه این امتیاز را گرفته اند با آن فصولی که نمایندگان ملاحظه فرموده اند و در مجلس سابق هم که آقای منتصر السلطان فرمودند رد شده است و بنده نمره های آن روزنامه را دارم و فراموش کردم همراه بیآورم و عرض میکنم کرد نشده است فقط شاهزاده اسدالله میرزا همان - طوریکه آقای افتخار الواعظین فرمودند اظهار کرده بودند بدون اینکه نظر باصل ۱۵ امتیاز نامه بکنند که مدت این معاینه چندر است و وکلای آنوقت هم هیچیک آن فصل را در نظر نداشته اند و نظر ایشان هم باین بوده است که رفتن وجه معاینه تا چند مدت است و نظرشان باین نبوده است که گرفتن وجه معاینه ما چند مدت است و نظرشان باین نبوده است که در فصل ۱۵ معین شده که تا هفت سال است و آقای احتشام السلطنه فرموده بودند تحقیق میکنم در جنبه دیگر رای می گیریم در این ضمن متأسفانه بواسطه بعضی انتقادات آقای احتشام السلطنه استغناص میدهند

و ممتازالدوله رئیس میشوند پس از چندی بیاردمان مجلس میشود و این مسئله میماند و بعد خود آقای محتشم السلطنه هم میروند بسمواریت کمیسیون و این واسطه این مسئله موقوف مانده است ولی باید دانست که آقای حاج محتشم السلطنه خیلی زحمت این کار را کشیده است و اسباب اینکار را فراهم آورده است و معلمی برای این کار آورده است که یکی از آنها (مسیولیش) که خود او یکی از معلمین بزرگ این کار است و رئیس یک مدرسه بوده است در فرانسه از برای همین کار او را مستخدم کرده اند و سالی ۳ هزار تومان معین کار او میدهد و تمام تهیه اسباب کار را فراهم آورده است چیزی که باعث شده که آمد بمجلس سابق برای قیمتی بود که از هر جبهه برای معاینه میخواهند بگیرند و این تخم نوغان از چند دولت خریده میشود که آن دولت ها دولت عثمانی و فرانسه و ایتالیا است و لازم بوده که آن قیمتی که برای معاینه آنها گرفته میشود با سفرای دول مذاکره شود آنجا مذاکره شده بود و دولت فرانسه خودش قبول کرده بود که هر جبهه بیکران بدهد گویا در خود امتیاز نامه هم نوشته شده

رئیس - این راجع بیکلیات نیست مذاکراتیکه با سایر دول شده است جایش اینجا نیست .
دکتر سعیدالاطباء - عرض این بود کدر مجلس سابق رد نشده است و این امتیازی نیست که مدت او را بخواهند زیاد بکنند مدت امتیاز پنجاه سال است و این مدت هم با ایشان خواهد بود چون مقدمات اینکار فراهم شده بود ولی این موازی کدر این دوره اخیر فراهم آمد مانع از این شد و این کار ناتمام ماند و ناتمامی آن بواسطه آن سوانجات بود و این مدت هفت سال که حالا قریب یکسال و چند ماهش باقی مانده است غرض این بوده است که تمدید بدهد از برای اینکه تخم نوغان را تهیه بکنند و در یکسال هم میتوانند تهیه نوغانرا بکنند ولی مدت لازم ندارد تا آنکه رعیت بفهمد کمی توانند در یکسال تهیه تخم نوغان نمایند و این تخم نوغانی که ایشان تهیه میکنند بهتر از تخم نوغانی است که از خارجه می آورند و باین ملاحظه است که میخواهند این امتداد را بدهند و خیلی تمجیب میکنم از آقای ادیبالتجار که میگویند هستند از تجار معتبری که طرف و توفیق و زرار هم هستند که ده شاهی قبول میکنند و نصف او را میدهند بدولت بنده خیلی تعجب میکنم از آقایان که این اظهار را قبول میکنند و تصور نمایند که صحیح است .

منتصر السلطان - در مسئله امتیاز اوله آنرا ابتداء عرض کردم و اگر تفاوت سال شمسی و قمری را حساب بکنیم یکسال و دو ماه پنج روز باقی است که باید تهیه بکنند تخم نوغان را که احتیاج دارند تمام داخله ایران برای ابریشم و جویز بدهند و اگر در آخر یکسال و دو ماه پنج روز بتواند یا نصف و پنجاه هزار جبهه باندازه کدر داخله ایران اقامت بکنند تهیه این امتیاز باطل است آقای حاج محتشم السلطنه هم اولاً متخصص در این کار نیستند و ناچار باید معلم از خارجه بیآورند و در این مدت یک سال و دو ماه و پنج روز لو فرض که چندین متخصص هم بیآورند برای اینکه تمام تخم نوغان ایران را بدهد اینرا هم بنده

از قوه ایشان که سهل است تمام ایران هم اگر حکمیانی بشود گمان نمیکنم بتواند در ظرف این یکسال و دو ماه این تخم نوغان را تهیه بکنند و این اداره تشکیل کند و اگر ما بخواهیم ترتیب قذیه این قبیل کارها را که بدون ترتیب میکردند امروزه بکنیم پس فرق میان مجلس شورای ملی با زمان استبداد چه چیز است اینست که باید از روی مطالعه و دقت نگاه کنیم به بینیم در این امتیاز آیا صرفه و صلاح دولت و ملت است یا خیر در وقتی که بر ما مدلل شده که این شخص که میخواهد این کار را بکنند متخصص نیست و باید معین این کار را از خارجه جلب کند و بیآورد و برای چهارده ماه دیگر هم هر اقدامی که بکنند نمیتواند بوعده خودش وفا بکند و این با تطبیح بکلیت مالیه ای است که امروزه وضع میشود از طرف مجلس شورای ملی حالاً آن دولت چه میگیرد کار ندارد در مملکت ایران گفتگویی کنیم و جعل و وضع یک قانونی امتیازی و مالیه ای را می کنیم پس بنده عرض می کنم وقتی که مجلس شورای ملی صلاح دانست که یک چنین اداره وضع و تأسیس بشود از فرزند شده مالیه بگیرد چه از تبه داخله باشد و چه از تبه خارجه کدر این مملکت ابریشم بفروش برسد چه فرق میکند که این کار را دولت بکند یا این شخص در صورتی که میدانیم وقتی که جبهه دوازده قران را بکنومان هم مالیه تا بندهم او نمی آید جبهه دوازده قران بفروشد میگوید جبهه بیست و دو قران و هر قدر که برای او صرفه بکنند میفرشود و من هم بسوجب یک فعلی بصاحب امتیاز اجازه داده است از درخت هائی که در کنار رودخانه ها و در دهات دولتی برای اینکار غرس شده است زراعت نوغان بکنند و در هر جائیکه صاحب امتیاز صلاح بداند درخت توت غرس بکنند برای ابریشم ملاحظه بفرمائید چه امتیاز بزرگی است که میدهند بیک نفر از برای منافع شخصی خودش و وقتیکه ما بخواهیم امتیاز تمام رودخانه ها و قراء و قصبه جات دولتی را بدهیم باین صاحب امتیاز که او درخت توت بکارد که یک نوع زراعت می است و از آنطرف تجارت را تجدید بکنیم از برای این زراعت چه ضرر دارد با اینکه او را شخصی ندانستیم مجلس شورای ملی رای بدهد که دلت خودش این را اداره کند و خودش مالیه او را برای امورات مجلس و بمصارف عمومی برساند نه اینکه یک فردی از افراد ملت در سالی ششصد هزار تومان یعنی از جبهه های تخم نوغان جبهه دوازده قران ببلاره پول تبر ببرد که نصف مال دولت و نصف متعلق با خواهد بود و حق و غیره را هم که مبلغ گزافی است ببرد که در یک فصل معین است این را ملاحظه بفرمائید که چه مبلغهای گزاف میشود خصوص در مدت پنجاه سال و این راهم مرض بکنم که چند نفر از تجارند که حاضرند با شرایط خیلی سهل و ساده این امتیاز را بگیرند و بهیشت وزراء هم در این باب نوشته اند بمجلس شورای ملی هم گویا دیروز یا امروز از قراریکه یکی از آقایان نمایندگان الان بن نوشت اظهار نموده اند اولاً استغناص میکند آنشخص تاجر ایرانی که این مالیه را دولت ببندد و خودش بگیرد برای مصارف عمومی و تا بنیاسته ای او این است که اگر دولت

میخواهد حکماً این امتیاز را بدهد چون این امتیاز قانوناً تصویب نشده است ولو فرض هم حکم بصحت نکنیم تا چهارده ماه دیگر نمیتواند تأسیس بکند یک اداره را که بتواند تخم نوغان برای تمام ایران تهیه بکند آن تاجر میگوید که حاضر هستم که از عایدات صدی پنجاه بدولت بدهم و تمام مخارجات بعهده خودم باشد و حق معاینه و تفتیش را هم از هر جبهه ده شاهی میگیرم و تخم نوغان را هم در هر هفت سال عمل میآورم و قیمت را نصف میفرشود که شش قران باشد این یک قران خرج او است و پنجقران دیگرش را سه قران بدولت میدهم و دو قرانش را خودم میبرم که در واقع تمام اخراجات با او میشود و صدی پنجاه هم بدون اخراجات بدولت میدهد و استغناص میکند که این مالیه را که ما رعایا می بندند دولت ببرد و بمصارف عمومی برساند نه اینکه بیک نفر بدهند .

افتخار الواعظین - این فرمایشات یک شکلی است که اگر من در کمیسیون نبودم و سابقه و لایحه این کار را نمیدانستم واقعاً با شتابه میافتم اولاً به بینیم کجا میگوید که پس از هفت سال این امتیاز لغو خواهد بود در فصل اول میگوید که این امتیاز تا پنجاه سال دیگر با او و ورثان او خواهد بود پس امتیازی است که باو داده شده و یک امتیازی که بموجب یک فرمانی دولت میدهد یک کسی بعد از مدتی فرمان دولت بزیاده گذاشته نخواهد شد (گفتیم فصل هشتم را بخوانید)

فصل هشتم را بخوانیم فصل هشتم میگوید تا یکسال از تاریخ صاحب امتیاز باید شروع بتکالیف مقررده نموده و تا هفت سال بقدر حاجت مالک تخم نوغان بعمل آورده که رفع حاجت از تخم نوغان خارجه بشود .

اولاً عرض کنم این شخص نه این است که بتکالیف خودش عمل نکرده است و تا هفت سال نتوانسته یا نتوانسته است تخم نوغان باندازه حاجت تهیه کند در هفت سال نمیتوانسته است در صورتیکه این انقلابات پیش نمی آمد برای اینکه تلباریکه مخصوصاً ساخته است برای عمل آوردن تخم نوغان آن تلبار را در وقت انقلاب آتش رده بودند مملکت اینشخص تخم نوغان بعمل آورده است و باهالی داده است و اهالی هم از آن یکتدری بیله بعمل آورده بودند و اما اینکه بفرمائید هر جبهه را که او بفروشد به دوازده قران با باندول منافعش سالی میشود ششصد هزار تومان ششصد هزار تومان را دولت خودش ببرد خیلی خوب خواهد بود اما در این امتیاز نامه و آنچه پیشنهاد شده ابتدا همچو چیزی نیست ابتدا گفته است که وقتی من تخم نوغان را بعمل آوردم جبهه بیکران یا دو قران یا سه قران یا بکنومان یا یا نوزده قران خواهم فروخت با نصف منافی که برای اینشخص هست این است که ششصد هزار جبهه تخم نوغان بایران وارد میشود از هر جبهه یا نوزده شاهی حق المعاینه سالی ششصد هزار یا نوزده شاهی می گیرد و سالی باندازه قریب ده دوازده هزار تومان بتفاوت منافع او است و هر قدر هم که منافع عاید اومی شود یک شش بدولت میدهد تخم نوغانی را

هم که بعمل بیآورد مردم مجبور نیستند که از او بخرند دولت امتیاز فروش تخم نوغان را بصاحب این امتیاز نمیدهد صاحب امتیاز مکلف است برای رفع حاجت اهالی تخم نوغان بعمل بیآورد اهالی مختارند که از او بخرند یا از دیگری بخرند شاید اگر او تخم نوغان بعمل آورد آن خارجه بدهد چهار هزار و او ناچار میشود بدهد سه هزار و این منافع ششصد هزار تومانی را که فرمودند سهل است اگر سالی شصت هزار تومان هم قایده داشته باشد بنده خواهم گفت آن شصت هزار تومان بخرانه دولت برسد ولی سالی ششصد هزار جبهه است که از هر جبهه یا نوزده شاهی میگیرد و از آن عشر هم بدولت میدهد و این منافی است که او میبرد .

ناصر الاسلام - مخبر محترم دفاعی که کردند از مخالفین واقعاً اگر از روی همان اطلاعات بوده که میفرمودند بنده هم خیلی خوشوقت میشدم اما تا سرف میخورم که خودشان در آن موقع کدر گیلان تشریف داشتند درست مطلع نشدند و دور نیست بنحوی که لازم بود اگر میخواهند مطلع بشوند نمیتوانستند مطلع بشوند که صاحب امتیاز آنطوریکه باید داخل عملیات بشوند نشدند جبهه یا نوزده شاهی حق المعاینه گرفت و تقریباً یکصد داری از این راه عاید صاحب امتیاز شد وارد عملیات شدن یکی اینست که معلمین صحیح بیآورند و در محل هائیکه برای اینکار خوبست آنجا بناهای لازم بسازند و حاضر کنند از برای تخم نوغان و متأسفانه هیچیک از این عملیات در گیلان نشده است

بله چیزیکه بود این بود که یکسال از تخم نوغانیکه فاسد بود آن شخص در گمرک آنها را آتش زد و یک عده زیادی از گیلانها از این خسارت محفوظ ماندند و منافی هم بایشان رسید اما چه خسارتی بایشان وارد شد بنده مسبوق نیستم بله در اینکه اهالی گیلان در موقع مسافرت مرحوم مظفرالدین شاه بفرنگ و عودت بایران تقاضا کردند از او برای خسارت از تخم نوغانهایی که از خارجه وارد میشود راست است زیرا در یکسال اهالی گیلان از خریدن تخم نوغان فایده بردند ولی بعد از آن خسارت بگیلانها وارد شد بواسطه همین معامله تخم نوغان در زیر قرصهای بزرگ هستند و امروز نظرباینکه باید اهالی مملکتی را از خسارت حفظ نمود و کاری کرد که هم یک خدمتی بمملکت شده باشد و هم یک خدمتی بملت عده نظر ما باین باشد امروز چه ضرر دارد همانطوریکه بعضی اظهار کردند دولت این کار را خودش اداره بکند و از برای اینکار مصارف فوق العاده مالبه زیادی لازم نیست برای اینکه از روی اطمینان عرض میکنم که امروز عایدی اینکار زیاد است برای اینکه علاوه ششصد و پنجاه هزار جبهه تخم نوغان فقط مال خود گیلان است و وقتی که حق المعاینه آنها را حساب بکنیم و تقریباً ۲۶ الی ۲۷ هزار تومان عایدی آن میشود اما برای معاینه کردن صاحب امتیاز هر جبهه چند باید بگیرد آقایان نقل میکنند بنده در آن مجلس بودم یعنی جزء تماشاچیان بودم که در این باب مذاکره شد و مرحوم وکیلالتجار خیلی دلایل متقن محکم نقل کردند بواسطه اظهاراتیکه او کرد در آن ماده رای گرفته نشد و رد و قبول او در آن مجلس معلوم نشد و حالا بنده

فوق العاده اصرار نمیکند همبقتدر عرض میکنم که در این عمل باید ملاحظه صرفه دولت و ملت را کرد یعنی نظراً باین باشد که امروز اهالی یک مملکتی آسوده خواهند بود بدولت هم یک فایده خواهند رسانید بنده بآن دلایلی که عرض کردم نمیرساند که اهالی از خسارت محفوظ شده اند آنها اگر قرار آن خسارت هستند اینکه این دوسابقه است در این مدت بدولت فایده نرسیده است اگر نظر آقایان این است که بدولت فایده برسد دولت هم آسایش پیدا کند دولت خودش میتواند بوضع اسهلی اداره بکند و الا بنا بزیاده گذاشته شود عرض میکنم داوطلب هم برای اینکار امروز نه یک نده نه صد هزار هاست زیرا که کاریکه خرجش کم بود خلتش زیاد است همه کس حاضر است و بنده تقاضا میکنم که بیش از این در این خصوص مذاکره نشود زیرا که هر چه مذاکره شود کافر ماجرائی است .

حاج آقا - بنده هم هر وقتی از این امتیازات بینیم بعضی از نظرها میشود هیچ نمیتواند بقدر تسلیم بدهم و باور کنم که این حرفها ممکن است از روی جدیت باشد بواسطه اینکه غالباً بنده می بینم وقتیکه یک ترتیبی راجع بمعاون یا امتیازات یا فلاحات یا ترقی در هر چیزیکه وارد مجلس میشود اولین حرف این است که این را خود دولت اداره کنند و حال آنکه همه ماها وقتیکه به نشینیم ملاحظه میکنیم می بینیم که همه این مطالبی را که راجع بترقی و تجارت و فلاحات معادن اختیارات دیگر باشد نمیشود بگردن دولت گذاشت یک وقت هم باید یک چیز را برای افراد ملت گذاشت که او هم اقدام در یک تجارتنی یا یک معدنی یا یک چیز دیگری کرده باشد والا اگر یک جائی را به بینیم که یک باب منفعتی است از افراد مملکت دریغ بداریم و بگوئیم خود دولت این کار را اداره کند هیچوقت نه دولت نه افراد مملکت نمیتوانند داخل یک چیزی نافع بعال مملکت شوند این یک مطلب کلی بود که عرض کردم پس خوبست وقتی که ما میخواهیم داخل یک همچو چیزهایی بشویم ملاحظه کنیم به بینیم برای مردم اسباب رفاهیت است یا نیست اعم از اینکه آن کسانیکه شروع باین کار می کنند او هم یک نفی برد باینرند نمیشود گفت که کسی که اقدام یک کاری می کند حتماً هیچ نباید منفعت بکنند سفیه نیست که این کار را بکنند البته بملاحظات یک منفعتی این کار را میکنند پس نباید گفت که چرا او این منفعت را میبرد و همایش را بدولت بدهم این یک جهت او حالا با بینم در اصل این امتیاز من تصور میکنم که آقایان اگر خوب ملاحظه کرده باشند می بینند یک کسی دارای یک امتیازی است که در زمان استبداد باور کرده شده است و آن امتیازی که در زمان استبداد داده شده است یک طوری داده شده که بهتر از آن نمیشود در زمان مشروطه و حکومت کلی داده شود و این امتیاز بهترین دلیل است از برای این که بدانم که در زمان استبداد در دادن امتیازات بغار چه خیانت میکردند زیرا که با آن که میدانستند که ضرر دارد و میداده اند زیرا که میبینم که وقتیکه در مقام دادن امتیاز بداخله داده اند آنقدر دقت میکردند اما و میداده اند که میبینم تمام مخارجات را بگردن امتیاز فرار داده اند

و تمام جهات هوومی را ملاحظه کرده اند پس این صاحب امتیاز يك امتیازی را در پنج سال پیش گرفته در ضمن این امتیاز يك قرار داده‌ای در بین بوده است که يك دو فقره تکالیف او بوده و چند فقره تکالیف دولت و هیچ گفته نشده که اگر دولت از تکالیف خودش مشخص نمود چه باید کرد و اگر این تخطی کرد چه باید کرد واقعا اگر این را در يك محکم در يك مجلس محاکمه بگذاریم مبینیم که بنده میتوانم بگویم وقتیکه او از تکالیف مقرر تخطی کرد این امتیاز باطل و لغو باشد و نه دولت اگر تخطی کرد چه میشود باید يك محاکمه بکنند و يك چیز بر هر دو قرار بدهند اما ایرادی که بر صاحب امتیاز داریم و چیزی که بنده فهمیده ام فقط همین است که در مدت مقرر کاری که باید بکنند که در این هفت سال تخم نوغان را در خود داخله فراهم بکنند باندازه رفع حاجت داخله مملکت در این هفت سال هنوز نکرد و يك دو سال و نیم دیگر باقی است که میدانم در این يك سال و نیم نمیتواند تهیه بکنند این است که پنجسال دیگر حالا هم اضافه کنیم که مدت هفت سال باشد و اگر در بابت آن قرار داد صاحب امتیاز بگوید در مقابل این يك ماده که میگوید که تو نتوانستی عمل بکنی هشت ماده قرار داد از مساعده تهاثیکه دولت تعهد کرده است راجع به يك نفر داخله تخلف شده چه باید کرد همه میدانم که این چهارسال دوره رولسیون این مملکت و دوره انقلاب بوده است و دولت هم نمیتوانسته است باین ترتیبات جلوگیری بکند و خود صاحب امتیاز هم مأمور سرحد بوده و رفته بوده در سیر مأموریت خودش و این ترتیبات در آن وقت که صحبت در اساس دولت يك مملکتی است طبیعی است که هیچ بعمل نمی آید و تکلیف ما لایطاق است بجهت اینکه کلیه این ترتیب فلاح راجع باسایش مملکت است در ایام رولسیون و اوقات انقلاب میشود اقدام کرد حالا مسئول معاکم از وجدان پاک نمایندگان محترم آسازوار است صاحب امتیازی که اختیاراتش دارای چند ماده است و يك ماده اش را صاحب امتیاز تخلف کرده است و هشت ماده از طرف دولت تخلف شده آنکه از طرف دولت تخلف شده است او را کنار بگذاریم بگویم يك صاحب امتیاز است و يك ماده اش را تخلف کرده است و حال اینکه مانع هم انقلاب مملکتی بوده که نمیتوانسته است اقدام بکنند دیگر عدم مساعدت دولت هم از همین جهت بوده حالا بگویم که تقاضای مساعدت در يك همچو مطالبی نداشته باشد که در باب يك ماده که یکی از مواد این است که تخلف کرده است حالا در صورتیکه بخواهد جلب متخصمین از خارج بکنند يك مدت همین دیگر وقت بخواهد از آن کسی که دارای این زراعت هستند منتقم بشوند که از همین تخم که در مملکت خودمان ایجاد میشود بگیرند و از خارج بگیرند و اگر خود همراهی میکنم تصور میکنم که احساسات خود را ملاحظه میکنم پس يك همچو چیزی را که بنده می بینم قطع نظر از تمام اینها میکنم و در باره این حسابات شدید بگویم همان شهری را که آقای قائم مقام گفت (دشمن بدختر هر چه عاجز و مسکین) رئیس - هر وقت شما مذاکره کرده اید زحمت

بنده را زیاد کرده اید گمان میکنم که مذاکرات کافی باشد (مختلفاً اظهار نمودند)

رئیس - معلوم میشود (کافی نیست)

آقا شیخ رضا - صحبتی که در کلیات این مسئله است راجع باینکه آیا این امتیاز داده شود یا نه یعنی امتیازیکه سابقاً داده شده بوده است و بجهة تخلفی که شده است و این امتیاز باطل شده دوباره آن امتیاز باطل شده را مجلس تصویب میکند یا خیر صحبت در این باب است آقای مخبر گفتند که این امتیاز لازم است تصویب بشود چرا بجهة اینکه سابقاً از این بابت خسارت زیادی وارد شده است و تخم نوغان بقیمت گران فروخته میشده است ولی بعضی از آقایان که اظهار کردند و در جلوگیری از خسارت و گرانی تخم نوغان که امتیازی به يك شخص از افراد ملت داده شود بلکه ممکن است خود دولت اینرا اداره کند که يك نتیجه ای هاید دولت خسارت و آن گرانی تخم نوغان بر طرف شود جواب این را بنده نشنیدم که آقای مخبر بدهند ولی بعضی اظهار کردند آن تخلفی که باعث بطلان این امتیاز شده است در حقیقت تخلف نبوده است بجهة اینکه آن تخلف ناشی از انقلابی بوده است که در این شش سال یعنی يك مقداری از این شش سال هفتسال بوده ولی عمده محل استعمال این تخم نوغان در گیلانات است و همه آقایان در نظر دارند که در گیلانات انقلابات خیلی کمتر واقع شده است سه چهار ماهی بیشتر نبوده است و شخص صاحب امتیاز در ایام انقلاب با انشخصی که باعث انقلاب بوده موافقت داشت و نه چنان بود که مال التجاره او را همین طوری صدمه بزنند و در موقع انقلاب آنچه لازم بود که از طرف دولت بایشان کمک داده شود داده میشد یعنی اعلیحضرت محمد علی میرزا بایشان مساعدت داشتند...

رئیس - راجع بامتیاز مذاکره فرمائید)

آنچه لازم بوده است که بایشان داده شود داده میشد بنده این را هیچ نمیتوانم قبول کنم که آن انقلابات باعث این تخلفات شده است و آقای حاج آقا بازنجا چیزی گفتند گویا نظرم می آید که امتد از این امتیاز يك رفاهیتی برای ملت شده است گویا آقای ناصر الاسلام صریحاً گفتند که ما امروز هنوز يك رفاهیتی برای ملت فراهم نشده است پسر حال بنده نظرم می آید بطوریکه بعضی از آقایان اظهار کردند که اگر این امتیاز تصویب شودو بيك شخص داده شود اگر این مسئله را خود دولت اداره بکند بهتر است از این است که منتقم را بيك شخص ببرد منتهی بيك جزئی بدولت راجع میشود البته وقتی که امر دائر شد بین آنکه منافعی بدولت هاید شود که مصرف آن خود ملت است طرفدار ملت یعنی نمایندگان باید طرفدار دولت بشود یعنی رجوع فواید بدولت بشود نه بشخص.

شیبانی - بنده میخواهم خیلی مختصر عرض بکنم که منحصر کردن بخود دولت مناسبتر است و عرض میکنم که دولت معادن و باغات خودش و چنگل ها را اگر اداره بکند خیلی منافع کثیر دارد و اگر يك نفر ایرانی فی الواقع وطن پرست خودش را نشان داده است امروز هم متکبراً مقدمه حاضر بشود برای گرفتن يك امتیازی باین مجلس شورای ملی

با کمال مساعدت باو بدهد برای جلوگیری از يك خسارت خیلی بزرگی از ملت زیرا که بنده اطلاع دارم از يك موقع کاشان که يك تخم نوغانی آورده بودند و خیلی خوب بود و بيك شخص خرید ذینفع شد آن شخص باین واسطه تمام اراضی خودش را درخت توت ابریشم شانند و یکسال باین واسطه زراعتش فاسد شد و تمام زندگی او از میان رفت بعد از آنکه بنا شد بيك شخص ملزم بشود کاروازه بکند و بيك تخم خوب ببرد بدهد تصور میکنم هیچ جای شبه نیست که اینکار را باید بغوریت انجام داد بعضی از آقایان اظهار داشتند که فلان تاجر پیدا میشود که امروز خیلی خیلی بهتر اینکار را اداره بکند و منافعی بدولت هاید مبدار این تاجر تا بحال کجا بوده که امروز پیدا شده است پس ما باید نظر بشخص نداشته باشیم و نظرمان نظر نوعی باشد که تمام افراد مردم که پنجسال آمده است این امتیاز گرفته است و در این چند سال رولسیون و انقلابات بیش آمده که نتوانسته است این کار را اداره بکند و نباید بگوئیم که این امتیاز باطل است حالا فقط يك تعدیه مدتی میخواهد که این کار را کاملاً بتواند اداره بکند و فایده کاملی هم بدولت هم برساند و اگر این شخص هم از يك نظری فایده ببرد نباید مامضایه بکنیم و لکن من از شخصی شنیدم که قریب بیست هزار تومان خرج کرده است و بيك معلمی از خارج آورده است و مقدمات این کار را کاملاً بعمل آورده است که کار را صحیحاً اداره کند و امیدوارم بی منافعه اینکار بزودی بگذرد

آقا میرزا احمد - بنده در اصل امتیاز عرضی ندارم ولی يك سؤال از آقای مخبر محترم دارم که میفرمائید این امتیاز مسلم بوده و پنجاه ساله داده شده حالا برای تجدید مدت ولی بنده عرض اینست که در مجلس سابق آنوقت یکسال و نیم از اول امتیاز نگذشته بود اگر برای تجدید آمده بود در ظرف پنجسال و نیم خوب میتوانست عهده کند آن ماده هشتم را پس معلوم میشود که برای تصویب و تصدیق آمده بود مجلس و آن ردأ و قبولاکه برای نداده است پس معلوم میشود اصل امتیاز محتاج تصویب است و از اینجهت ما نمیتوانیم اصل این امتیاز را مسلم بدانیم و این را آقای مخبر جواب فرمائید که آمدنش بمجلس سابق برای چه بوده است

افتخار الواعظین - عرض کنم در مجلس سابق روزنامه‌جاتی را که متعلق باین مذاکرات بود آوردند در کمیسیون و بدقت قرائت شد و بهیچ وجه در باب امتیاز و تجدید مدت نیامده بوده است بمجلس سابق صاحب امتیاز میخواسته است حق این معاینه را بکفران بگیرد بعضیها میگفتند اندک ازده شاهی بالاتر نمیدهم بعد موکول شده است برای مجلس که هر قدر مجلس رای بدهد همانقدر حق المعاینه گرفته شود مجلس هم ازده شاهی زیاد تر تصدیق کرده است و وقتیکه شروع شده است برای گرفتن شاهزاده اسدالله میرزا که آنوقت نماینده بوده است ایراد میکنند که مدت گرفتن این حق المعاینه چند سال خواهد بود که رای بدیم آقای اختتام السلطنه رئیس مجلس میفرمائید بمانند برا جلسه دیگر که بیستم تا چند سال باید بگیرد عرض از اینبکه در فصل پانزدهم مدت هفت سال معین شده بود و چون آقای ناصر -

الاسلام بعضی فرمایشات فرمودند بنده ناچارم عرض کنم ماخذ اطلاعات بنده این است که همه اش در گیلان بوده است و بواسطه اطلاعاتی که از گیلان تحصیل کرده ام عرض میکنم صاحب امتیاز در کمیسیون اظهار داشتند بعضی راپورت های آن معلم را که آورده بودند که سه سال در آنجا بوده است و آلات و ادوات این کار را حاضر کرده بوده است آن معلم در راپورت خودش میگوید که ما از برای فراهم آوردن تخم نوغان در فلانجا تلمبار ساخته ایم و تخم نوغان هم عمل آوردیم و به بعضیها هم دادیم و آنها هم نوغان عمل آوردند و معیار بهتر بودن آنرا هم معین کردند و آنجا آن معلم گفته است که در زمان انقلاب آن تلمبازی که برای ساختن تخم نوغان ساخته بودیم سوزانند و آتش زدند اطلاعات بنده تمام راجع باطلاعات حاصله از گیلان و توقف در گیلان نبوده است و در کمیسیون بعضی از آقایان هم حاضر بودند و بنده عرض کردم که این کار که مشکل است یکی اینکه دولت خودش میخواهد حق المعاینه قرار بدهد و بگیرد این برای دولت خیلی آسان است که یک نفر معلم را اجیر کند بیاورد در گمرک و بیانشانند که او معاینه کند این بانزده شاهی را بگیرد ولی این امتیاز راجع باین مسئله تنها نیست راجع بود مسئله است یکی مامله کردن تخم نوغان هائی که وارد میشود یکی هم فراهم کردن تخم نوغان باندازه حاجت مملکت معلوم است که دولت خودش نمیتواند برود آنجا و وسائلی فراهم بیاورد و در گیلان تخم نوغان بعمل بیاورد و بفروشد بله اگر حق این معامله تنها بود دولت اداره میکرد و علت اینست که وزرای عظام اینرا پیشنهاد کنند بمجلس اینست که نظرشانهم بحق المعاینه است هم به تهیه تخم نوغان و هم تهیه کردن تخم نوغان از وظیفه دولت خارج است این امتیاز را دولت داده است که حق المعاینه بگیرد و هم اگر يك فایده از این بابت هاید اومیشود در عوض تخم نوغان بعمل بیاورد که سالی مبالغی پول مملکت بخارج برود و آن پول در داخله مملکت بماند

رئیس - گمان میکنم مذاکرات کافی باشد (اظهار داشتند کافی است)

رئیس - بیست فقره نطق شده است آقایانیکه تصویب میکنند که داخل در شور مواد شوم قیام نمایند (بعضی قیام کردند)

رئیس - تصویب نشد راجع بمستخدمین امریکائی (راپورت کمیسیون قوانین مالمه بعبارت ذیل قرائت شد) پیشنهاد دولت راجع باستخدام ده نفر مستخدم امریکائی برای مالمه مطابق مواد ذیل تقدیم میشود

ماده (۱) - وزارت مالمه مجاز است ده نفر معاونین مالمه امریکائی استخدام نماید

ماده (۲) - شرایط عمومی کسرتراهای ده نفر مستخدمین امریکائی مذکور مطابق شرایط عمومی مستخدمین امریکائی که تا بحال استخدام شده اند خواهد بود

ماده ۳ - مبلغ بیست و چهار هزار و سیصد دلار حقوق سالیانه ده نفر مستخدم مذکور از بابت شصت هزار تومان امتیازیکه مطابق ماده هفت

فانون ۲۳ - جوزا بخراجه دار کل داده است تصویب می شود

رئیس - مذاکرات در کلیات است مخالفی هست

حاج شیخ اسدالله - چون این لایحه طبع نشده بنده که داده نشده اگر بدیگران داده اند نمایانم از اینجهت میخواستم بدانم این تقاضا از طرف کی شده است از طرف وزارت مالمه و هیئت وزراء شده است یا از طرف خود مجلس است چون بنده این راپورت را ندادم شوال میکنم که از طرف کی پیشنهاد شده است

رئیس - از طرف رئیس الوزراء تقاضا شده است

حاج شیخعلی خراسانی - این لایحه نیست که طبع و توزیع شود ما بيك اعتباری داریم که بجهت مستخدمین که برای مالمه لازم است استخدام کنند شرایطش هم همان شرایط سابق است که اگر خدمت شما هست مطالعه خواهید فرمود و از همان اعتباریکه داده ایم حالا این دهنفر دیگر از همان ۶۰ هزار تومان استخدام بکنیم و بجهت اینکه رای مجلس در این خصوص لازم است پیشنهاد کرده اند والا جز فائده نیست

رئیس - مذاکرات کافی نیست ؟ گفتند کافی است

رئیس - آقایانی که تصویب میکنند که داخل در شور مواد شوم قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده اول

ماده ۱ - وزارت مالمه مجاز است ده نفر معاونین مالمه امریکائی استخدام نماید

رئیس - سابقه این قبیل مطالب یکشور بوده است مخالفی هست ؟

حاج شیخعلی - لفظ معاونین تبدیل به مستخدمین شود

بهجت - بنده هم میخواستم همین راعرض کنم گویا اینها بجهت اداره های مالمه که بعد از این تأسیس خواهند شد خواهند بود و از کلمه معاونین مالمه چنین متبادر است که معاون وزارت مالمه هستند باینجهت بنده هم تقاضا میکنم که مستخدمین بجای معاونین نوشته شود

معزز الملک - بنده قبول می کنم این ترجمه فرانسه بوده است معاونین نوشته شده است مستخدمین نوشته شود

رئیس - دیگر مخالفی نیست ؟ رای گرفته میشود در ماده اول آقایانی که تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) - رئیس تصویب شد ماده دوم

ماده ۲ - شرایط عمومی کسرتراهائی ده نفر مستخدم امریکائی مذکور مطابق شرایط عمومی مستخدمین امریکائی که تا بحال استخدام شده اند خواهند بود

رئیس - مخالفی نیست (اظهاری نشد) رای می گیریم آقایانی که ماده دوم را تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده ۳

ماده ۳ - مبلغ ۲۴ هزار و نهصد دلار حقوق سالیانه ده نفر مستخدم مذکور از بابت شصت هزار

تومان اعتباری که مطابق ماده ۷ فانون ۲۳ جوزا بخراجه دار کل داده شده است تصویب میشود

لواء الدوله - اگر چه این مطلبی که من میخواستم عرض کنم آقایان خواهند فرمود که این چیزی است که سیصد مرتبه آنرا شنیده ایم معذرت عرض میکنم اینجا مینویسد ۲۴ هزار دلار بنده مکرر عرض کرده ام بیون خودمان بنویسند بنده نمی دانم دلار چقدر است بعلاوه هیچ نقطه از نقاط مملکت غیر از الفاظ خودشانرا مصطلح نمی کنند و بنده باین لایحه مخالفت ندارم چنانچه با آن مسئله تخم نوغان هم مخالفت نداشتم فقط همین مسئله را خواستم عرض کنم

معزز الملک - محض اطلاع خاطر آقای

لواء الدوله عرض می کنم امروز يك تومان چیزی بالا است و اینکه می گوید که دلار را در اینجا شاید بعضیها بدانند چقدر است ممکن است در آمریکا هم که این اشخاص را استخدام میکنند آنها هم ندانند تومان چقدر است و این مسئله آنقدر اهمیت نداشت اگر میردندیش خزانه دار کل شاید مخالفتی نمیکرد در اینکه دلار را تبدیل به تومان نماید ولی این اهمیت آنقدرها ندارد

رئیس - آقایانی که اجازه خواسته اند ظاهر برای دلار است دیگر مخالفی نیست (اظهاری نشد)

رئیس - رای می گیریم بماده دوم آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد مذاکره در کلیات است مخالفی هست ؟

لواء الدوله - بنده در خصوص مستخدمین امریکائی هیچوقت مخالفت نکرده ام و در مجلس هم حرارت بخرج نمی دهم خوبست از برای تخم نوغان هم بيك مستخدمینی بیاوریم که تخم نوغان بکارد حالا کار بآن نداریم در خصوص امریکائیهاک ما آنها را خواسته ایم احساسات ما نسبت با آنها معلوم است در باره این ده نفر هم گمان نمیکم مخالفی باشد معلوم است خزانه دار کل خودش دانسته است که اینها را خواسته است در این صورت که دولت این تصویب میکند استخدام آنها را خوبست آنها را بیول ایران مستخدم بکنیم

رئیس - دیگر مخالفی نیست (اظهاری نشد) رای می گیریم بیکه این لایحه که مشتمل بر سه ماده است آقایانیکه تصویب میکنند ورقه که بود در این موقع شروع باخذ اوراق رای شده آقای حاج میرزا رضاخان باین عده احصاء نموده ورقه سفید ۶۴ بلاسم يك

رئیس - با کسریت شصت و چهار رای تصویب شد عجالتاً يك ربع تنفس است

(مجدداً بعد از يك ربع تنفس جلسه تشکیل شد)

رئیس - راپورت کمیسیون عرایش و مرخصی خوانده میشود (بعبارت ذیل قرائت شد)

کمیسیون عرایش و مرخصی در تحت ریاست آقای نیر سلطان در اوقات مقرر تشکیل شد چند فقره عرایش الکرافی و کتبی از نقاط مختلفه مملکت بمجلس شورای ملی رسیده بود مبنی بر اینکه نظر بحالت کنونی ایران که آثار ارتجاع بکلی از میان برطرف نشده وجود مجلس از اهم فرائض مسائل اساس مملکتی است و انتخابات آتی هم ممکن است

بطول انجامد لهذا استعاضای است که مجلس شورای ملی را متوجه نموده مسئله را موکول برای مجلس نمایندگان.

رئیس اسامی ولایات و نقاطیکه تلگرافات و هراس از آنها رسیده است فرائت میشود و از بعضی جاها هم که تلگرافات رسیده است در ضمن آنجنین ها نوشته اند بانجمن و این تقاضا را کرده اند پس در واقع این تلگرافات تقاضای انجمن ها است وهم تقاضای اهالی است که رفته اند از انجمن کرده اند حالامسئله که مطرح است ابقای مجلس است بعضی اظهار داشتند که لازم است بعضی از آقایان تلگرافات خوانده شود و به ترتیب ذیل فرائت شد

از قم - توسط مجلس مقدس شیداه ارگانه مقام منبع ریاست سلطنت عظمی هیئت وزرای عظام جماعتی از احرار شرحی بانجمن نوشته که هیئت آنرا درج نموده ذیلا مضامین کتبه کان ذیل در انجمن محترم ولایتی حاضر شده و تقاضا مینمایم که نظر بانقلابات موجوده مملکت و رسیدن موقع انفصال مجلس مقدس شورای ملی که شاید این انفصال مدت مدید بطول انجامد و نبودن پارلمان اسباب بعضی مضاررات برای مملکت شود از انجمن محترم تلگرافی بمجلس و هیئت وزراء و نیابت سلطنت عظمی مخابره شود که نمایندگان حاضر را بولایت شناخته و مجلس باقی و برقرار باشد تا زمانیکه اگر از نصف کلای پارلمان آتی در پایتخت حاضر شوند و ضمناً از آن مقامات رقیبه تعجیل در امر انتخابات نیز استعاضا شود عقیده انجمن هم مطابق بافکار قانونی این احرار است (انجمن ولایتی قم)

از تبریز - خدمت حضرات مبموتین محترم آذربایجان دامت تا ابد انهم نظر بانیکه دوره تقنینیه مجلس مقدس شورای ملی ختم یافته و تصور آنبرود که این انفصال قانون منجر بانفصال مجلس مقدس شود تلگرافاً پیشنهاد بمقامات عالییه نموده و این تلگراف را هم برض حضور حضرت عالی برسانم البته از وضع حاضر این مملکت و صدمات وارده دولت و ملت خاطر مبارک کاملاً آگاه است که در این موقع جوش و خروش ارتجاعیون انفصال مجلس مقدس تا چه اندازه مضرب و باعث یأس قلوب مشروطه خواهان خواهد شد خصوصاً در صورتیکه هنوز قانون انتخابات باتمام نرسیده و از تصویب مجلس مقدس نگذشته است فرضاً گذشته باشد در ولایات انتشار نیافته است تا اهالی از کیفیت مواد آن مسبق شوند انفصال مجلس مقدس چه سورتی و چه نتیجه خواهد داشت ولی چنانکه عرض و درخواست تعدید مجلس مقدس شده و امیدواریم بوقع قبول برسد حضرت عالی هم کماکان از طرف اهالی آذربایجان با حضور نصف بیشتر از نمایندگان ایالات و ولایات در وکالت مجلس مستقر و با اجرای وظایف وکالت مراقبت خواهند فرمود و با مزه تعدید مجلس مقدس بر امیدواری موکلین خواهد افزود (صوم اهالی تبریز) از تبریز - مقام منبع نیابت سلطنت عظمی و کبیبه ساحت مجلس مقدس شورای ملی و هیئت جلیله بامعینه وزراء دامت برکتهم طهران بر انتظار دقیق حقیقت بین اولیای دولت و امتیای ملت واضح است بحکم امروز که از هر طرف مرتجعین در کار و عناصر استبداد برپا شده اساس آزادی ملت قیام کرده و لطمه در حیات سیاسی

مملکت میزنند و از هیچگونه آسایش فروگذار نمی نمایند در چنین موقع تصور فرمایند انفصال مجلس مقدس شورای ملی بواسطه انقضای مدت قانونی تا چه اندازه مؤید شایع و تثبیت خائنه آنها نبوده و قلوب حزب احرار و مشروطه خواهان مملکت را متزلزل و بریشان خواهد ساخت از مبادی نظر نگذارند احوال غالب نقاط را که هنوز سیدی در جلو اغوات مفسرین کشیده شده و القات معاندین از خاطر هارفته و توقع الاشاعه این مسئله متضمن چه اثرات وخیمه خواهد بود که آیامجال تجملی و ساده آن باز اولیای دولت ممکن بشود پانه لهذا انجمن ایالتی بانهایت خیر اندیشی حل حال را ملاحظه و پیشنهاد آن مقامات عالییه مینماید که من باب مصلحت شش ماه بر مدت مجلس مقدس امتداد بدهند تا زیاده از نصف نمایندگان ایالات و ولایات حاضر پایتخت شوند شهادت از این پیشنهاد هیچ مقصود در نظر خادمان نه بوده و جز این که از وضع اهالی استنباط میشود چنانچه این تعدید موقتی شود از هر جهت اسباب تأسیس فراهم خواهد آمد ملاحظه فرمایند کسانیکه در این شروع مقدس از بدایت امر و چند ماه قبل تا اکنون جوانان خود را تقدیر راه حریت نموده و متحمل این همه صدمات و لطمات جانی و مالی شده اند و در عین تضییق هستند و میروند که استفاده از این اساس مقدس بنمایند یک دفعه خبر انفصال مجلس مقدس چه اثر شوم بر آنها خواهد بخشید در این صورت با یک دلی بر امید انتظار بشارت تعدید مجلس مقدس شورای ملی را داریم ۳۶۰۶ انجمن ایالتی

از مشهد بطهران - مقام منبع نیابت سلطنت عظمی و کبیبه مجلس مقدس و نمایندگان خراسان هنر فرب مدت وکالت نمایندگان حالی بحکم قانون منقضی از طرف دولت هم تا اکنون دستور العملی نرسیده و مجلس مقدس که بزحمت و خسارات جانی و مالی دایر شده کعبه امیدواری ملت است هرگاه تعطیل شود معایب خانمان سوز و هواقب وخیمه آن مبرهن لذا محض امیدواری ملت و جریان امور پمجرای قانونی انجمن ایالتی تقاضا مینماید که موقه نمایندگان عالییه بر وکالت ابقاء بوظایف خود رفتار تا این که تعدید انتخابات کاملاً بعمل آید - انجمن ایالتی

از سمنان بطهران - توسط نمایندگان ریاست مجلس مقدس شورای ملی مقام منبع نیابت سلطنت عظمی دامت عظمه برای انتخاب آتی خیال انفصال مجلس مسموع میشود با حالت حاضره مملکت و اوضاع پیش آمدهای ناگوار انفصال مجلس مقدس را ایداً ملت ایران جایز نمیداند صوم اهالی سمنان از آن مقام مقدس مستعفی هستند که قبل از انتخاب و ورود و سکلاهی جدید بر مرکز مجلس منقل نشود صوم اهالی سمنان

از پایتخت مقام منبع مبارک مجلس مقدس شورای ملی شیداه ارگانه - البته خاطر مبارکشان مستعضر است که چند روزی بیشتر باختتام مجلس مقدس نمایند و بطوریکه منتشر است قبل از حضور نصف بملایه بکنفر از وکلاهی خیال انفصال مجلس مقدس را دارند البته حال امروزه مملکت را کاملاً مسوق هستند که بجهت اهمیت نموده که از هر طرف سیل ارتجاع در حرکت و آزادی و استقلال مملکت را تهدید مینماید

و اسعله در دست مرتجعین باقی نمانده مگر حفظ انفصال مجلس که اورا بلباسهای مختلف باین عوام جلوه داده و بمقصد خود نائل خواهند شد بطوریکه از والا حضرت اقدس آقای نایب السلطنه دامت عظمه هیئت وزراء استعاضای شده است نیز صوماً از مجلس مقدس درخواست مینمایم اولاً امر فرمایند که اعلان انتخابات هرچه زودتر منتشر شود تا نمایندگان مجلس مقدس منقل نشود تا اینکه نصف و کلاهی بملایه بکنفر انتخاب و در مرکز حاضر شوند

رئیس - گویا بیش از این فرائت تلگراف و مکاتبات لازم نباشد برای اینکه مذاکره بطور صحیح بشود گمان میکنم بطور لایق قانونی صحبت شود بهتر است و البته در باب امتداد مجلس باید چیزی بنویسیم و برای بگیریم و گمان نمیکنم امروز بتوانیم در آن رای بگیریم پس امروز در اساس آن باصطلاح در کلیات آن مذاکره میکنیم

رئیس الوزراء - اگر چه کابینه هنوز تشکیل نشده است لکن بنده نظر شخصی خودم را عرض میکنم که مجلس تا چندی لازم است و باید باشد تا کابینه وزراء تشکیل بکنیم آن وقت نظریات خودمانرا باز عرض خواهیم کرد

رئیس - پس اساساً سرکار موافق هستید امروز مذاکره که میشود در اساس است باصطلاح در کلیات

حاج آقا - بنده همچو تصور میکنم که از این هراسی که میکنم شاید بعضی جواب های شطابه بشنوم و در اول امر بعضی تعجب کنند ولی یقین دارم امروز این چیزیکه عرض میکنم برای اشغال آتی مملکت یقیناً بکند ذکره است از حالات روحیه خودم که در یک موقعی که نظر در روزنامه رسمی بکنند و نطق یک و کلبی را نظر پیاورنده به بینند که در فلسفه مشروطیت پی برده و آرزوهای صحبت کرده بنده بوجب قانون اساسی مدت انتخابات و سکلاهی را همانطوریکه همه میدانند دوسال معین شده دوسال میدانم و از روزیکه معین شده اند و کلاهی برای دو سال ملت آنها را و سکلب کرده و اجازه داده است که مشغول نوشتن قانون باشند بعدد یک همچو موقعی که دوره تقنینیه تمام میشود بعضی تلگرافات که راجع بدوسه ایالت است خوانده میشود و از مضمون این تلگرافات چنین معلوم میشود که گویا قانون و شرایط مشروطیت را ندانسته اند که این تلگرافات را کرده اند یا از یک جهت دستور العمل خارجی بوده که این تلگرافات را کرده اند و بنده چون یقین دارم میدانم که مامدتها یا مشغول این باشیم که قوانین و ترتیبات مشروطیت را همه القاه و تلین و اعلام کنیم امروز عرض میکنم که این مطلب را با آنها تلقین نمودی یاد داد زیرا که آنها همچو تصور کرده اند یا آنها گفته شده که دوره تقنینیه مجلس که تمام شده بعد از دوره تقنینیه که و سکلاهی جدید انتخاب میشوند اگر مجلس منقل شود اساس آزادی و مشروطیت متزلزل شده میشود حال آنکه همچو نیست همه میدانند که در ممالک مشروطه عالم علاوه بر تعطیلات تابستانی که در خود دوره تقنینیه است یا در مشاخراتی که بین مجلس یا مجلس و دولت و امر بانفصال میشود ممکن است یک مدتی فاصله شود و همچنین در موقعی که مدت دوره تقنینیه تمام میشود و

انتخاب جدید بعمل میآید و این هیچ منافات با قوانین مشروطیت و اساس سلطنت ملی ندارد فقط چیزی که لازم است این است که یک کابینه که در مملکت طرف اطمینان مجلس شورای ملی است و در آخر دوره تقنینیه تشکیل شود آنکابینه مسئول امور مملکت باشد آن کابینه کفایت خودش با امورات مملکت رسیدگی بکند تا وقتیکه و سکلاهی جدید بیابند و بنشینند و مسئول امور مملکت شوند و اگر ایرادی دارند بآن کابینه می کنند و آن اظهار اعتماد خودشانرا دورتر بآن کابینه می کنند بنده میبینم امروز این تلگرافات بعضی هایش قبل از اعلان اتمام قانون انتخابات شده بعضی های دیگر هم در موقه خطرات ارتجاع دورما را گرفته بود و بحمدالله بجهت کابینه حریص برور ما بوجهت اقدامات بختیارها و مجاهدین و افراد قشونی بحمدالله آن انقلابات را ازین بردیم حالا چیزی را که خیلی باید احتیاج بآن داشته باشیم و جزو یک کابینه است که طرف اعتماد مجلس شورای ملی باشد آقای رئیس -

الوزراء در آخر دوره تقنینیه موقعی بمجلس شورای ملی کرد و آن کابینه مسئول مجلس شورای ملی باشد با آتی و افتتاح مجلس آتی بنده در این امر یاد بر این مطلب که کلیات مشروطیت بود نمیخواهم عرض کنم لکن یک مطلب دیگر بود لازم است عرض کنم که ما اگر فرض کنیم که بموجب این تلگرافات که تقاضا شده مجلس شورای ملی را امتداد بدهیم آیا در این امتداد مجلس شورای ملی داخل وضع قوانین خواهد شد یا نخواهد شد اگر نخواهد شد حرفی ندارم اما اگر آنطوریکه امروزه هست بنحیض دیگر هم باشد و وضع قانون بکنند ممکن است خیلی از افراد ملت بگویند که این قانون رسمیت ندارد و ممکن است یک کسی رد کند که این قانون یک قانونی نیست که از طرف نمایندگان مجلس شورای ملی باشد و بطوریکه قانون اساسی و قانون انتخابات دستور داده مایباید آنطور رفتار کنیم علاوه روح مشروطیت و معنی وکالت را میگوید که کسیکه میخواهد وضع قانون بکنند در مدتی میتواند وضع قانون بکنند که نمایندگی داشته باشد آیا بعد از انقضای مدت نمایندگی هیچ اینهم یک استواری است که دلم میخواهد کسیکه بنده وارد میکنم جواب بگویند و از همه گذشته یک تکلیف هم بنده خودم دارم که در مدت انقضای وکالت خودم آنطوریکه انتخاب شده یعنی در بیست و دوم هفترب دیگر خودم را نمایندگی ملت نمیدانم و از این جهت تکلیف خودم را نمیدانم که حاضر شوم و مداخله در قانون گذاری داشته باشم از این جهت در مجلس شورای ملی حاضر نخواهم شد

معین الرعیای - مجلس شورای ملی که تشکیل شده بواسطه انتخاب بوده که از طرف ملت شده و این همان ملت است که بواسطه این تلگرافات باقی بودن مجلس را لازم می دانم و در تلگرافات گفته اند لازم است مجلس باقی باشد دیگر بنده نمی خواهم عرض کنم و این همان ملت است که در وقت انقلابات قانون اساسی را تقیر داده است و این همان ملتی است که شش سال قبل از این ایستاده و مشروطیت را گرفته اند این همان ملتی است که دو سال قبل ایستادند و امامحضرت سلطان احمد شاه

را بخت نشانیدند و سلطنت مستبدانه را به سلطنت مشروطه تبدیل کردند و این همان ملتی است که دو ماه قبل از این که از چهار طرف ایران دشمنان مملکت ایران از چهار طرف مشروطیت را احاطه کرده بود مردانه ایستادند و آن ها را از پیش برداشتند این که حاج آقا فرمودند که از این تلگرافات همچو معلوم میشود که از لوازم و شرایط مشروطیت خبر نداشتند که این تلگرافات را کرده اند بنده برای اینکه خارج از نزاکت عرضی نکرده باشم عرض میکنم هیچ نمی توان بیک چنین منی نسبت داد که از لوازم مشروطیت خبر ندارند و بنده اعلان انفصال مجلس را باختر آنیکه حالا نمیخواهم این جا شرح بدهم توأمی دانم و بنده امتداد مجلس شورای ملی را با توفیقی که نصف بملایه یک و کلاهی آتی برسد خیلی لازم می دانم و عقیده ام اینست که انفصال مجلس شورای ملی خیلی خطرات عمده دارد

فرزانه - بنده مسئله تعدید مجلس را به دو نقطه نظر صلاح نمی دانم و مخالفم اولاً برای این که این مسئله در کمال وضوح بر خلاف اصل بنجم قانون اساسی است که کسی گوید و کلاهی برای دوسال شمس انتخاب میشوند و حالا بعد چند روز یعنی در ۲۳ هفترب دو سال با تمام خواهد رسید تا آنجا که علاوه بر اینکه این مسئله برخلاف قانون اساسی است بنده تصور میکنم با چند تلگرافی که از بعضی از ولایات آمده و امضای آنها معلوم نیست دلیل نباشد که امتداد مجلس شورای ملی لازم باشد و آنکهی این بنده در این موقع انفصال شورای ملی نهایت اطمینان خاطر دارم بجهت این که در موقع انفصال مملکت را بدست کسی می سپاریم که فاتح مملکت بوده و در راه مشروطیت جان بازیها کرده و البته رئیس الوزرائی مثل آقای صمصام السلطنه بدیهی است که نهایت جد و جهدا را خواهند داشت بانقاد مجلس آتی و وزرای یا کادمان مثل وجود مبارک خودشان دخیل که مملکت را بحالت بهتری داشته تسلیم نمایندگان آتی مملکت بکنند

کاشف - بنده اولاً خیلی لازم دانستم فرمایشات آقای فرزانه را راجع بامضای تلگرافات رد بکنم خصوصاً راجع بانجمن ایالتی خراسان که بنده کمال وتوق را با آنها دارم و میدانم که آنها کلیه متزلزل هستند و ایداً صلاح نمیدانم که مجلس منقل شود و فعلاً مکاتباتی از طرف تمام اهالی رسیده است که متزلزل هستند ولی بعضی از آقایان از فلسفه مشروطیت و استعفاء دوره قانونی مجلس مذاکره میکنند بنده از کسانی هستم که همه آقایان میدانند که پس از ورود بمجلس مقدس بواسطه اشکال اداء وظایف وکالت هیچ مایل نمود بکرسی وکالت مستقر باشم چندی بعد اجازه خواستم و رفتم ولی چندی قبل که شیدم ارتجاع شروع کرد، است با این که در روسیه بودم وظیفه وجدانی خود دانستم که برگردم شاید از دست من کاری برآید و این که میفرمایند ما مملکت را میسپاریم بدست رئیس الوزرائی مثل آقای صمصام السلطنه و ایشان امتحانات خودشان را همه قسم داده اند بنده تصدیق میکنم که در واقع خیلی قابل تعدید است که در این دوره اخیر و این کابینه خیلی فعالیت نشان داده و مکرر در

اینجا اظهار تشکر شد لکن یک چیزی است که بنده اوضاع را صور دیگر می بینم بنده نظر بمصلح مملکت عرض میکنم و نظر بشخص نمازم و تمیق شخص نمیکوم البته وقتیکه شخص آقای رئیس - الوزراء قبول این فدا کاری را نمودند همانصوری که گفته شد در آن موقع خیلی فدا کاری کردند لکن امروز کار این مملکت رسیده است بجایی که همین شخصی که اینهمه خدمات را کرده است وضع مملکت طوری شده است که از تشکیل یک کابینه حاضر شده است بواسطه یک ترتیبی اگر آقایان میدانند وضع حالی به چه ترتیب است از اطراف اطلاعات بایشان میرسد یقین دارم تلگرافاتی که میرسد همه مطالعه میکنند فریاد مردم بلند است نمیدانم ما ناله های آنها را میشنویم یا نمی شنویم ما هرساعت و هر دقیقه باید نظم و آسایش و ترتیب زندگانی اهالی این مملکت را که از طرف آن ها وکیل هستیم از نظر دور نکنیم و یک ساعت راضی نباشیم که آنها باین حال باشند میدانم مدتی است بواسطه اختیار آنیکه این کابینه محترم گرفته است اکثر از ماها هیچ اشکالی در امر دولت نمیکنیم بلکه اگر یک مسئله خیلی مهمی بوده است که وظیفه هر نماینده بوده به همین ملاحظه دستورال و استیضاح تأخیر کرده ایم مثل آنکه خود بنده سئوال و استیضاح داشتم و جواب داده نشده است و مدتی گذشته و ما هم درست نتوانسته ایم انجام وظایف خودمان را بکنیم حالا در اینصورت که میفرمایند مجلس منقل بشود بنده هم همراه هستم با آن آقایان بواسطه این که خیلی خسته شدم بواسطه بیش ترفتن کار و بواسطه آن خیالاتی که در بدو امر آن خیالات را داشتم و انجام نگرفت و نمی خواهم یک ساعت در اینجا بمانم لکن فلسفه مشروطیت را که میفرمایند فلسفه مشروطیت حفظ امنیت و آسایش مردم است اول باید آنرا در نظر گرفت وقتی که مملکت در حال انقلاب و تزلزل بوده فلسفه از بین برود اول باید آن امنیت را فراهم آورد در این دو سال ایداً امنیتی و راحتی با آنها نرسیده است و ایداً از آثار مشروطیت چیزی با آنها نرسیده تا بجا یک قدم پیش نمانده و بنده هم یک کلام عرض میکنم و استعاضا میکنم از آقای رئیس الوزراء که اگر آقایان صلاح دانستند و رای دادند بموجب این تلگرافات و عریاضی که آمده است یک قدری در ایستادگی که مجلس بعد از دوره قانونی باقی خواهد بود بیشتر اهتمام بفرمایند در آخر اثبات که بتوانیم یک جوابی بگوئیم خودمان بدیم

لواء الدوله - بنده متعجبم که آنجا مخالفت با قانون میشود و با آزادی ملت اینجا مینویسد که مدت انتخاب نمایندگان دو سال است که در اصل چهارم قانون اساسی مینویسد که اصل چهارم را که واگذار کردند بانجمن ایالتی آذربایجان و او نسخ کرده است و اجازه داد بمجلس یعنی رأی را واگذار کرد بمجلس و معین کرد که عده نمایندگان ایران ۱۲۰ نفر باشد از اینطرف میبینیم که ۱۲۰ نفر تعیین کرده است و از طرف دیگر میبینیم که تا ۱۳۶ نفر معین کردیم نمیدانم کدام را ملاحظه کنیم از یکطرف میبینیم میگویند مجلس را دوام بدهد تا نصف و کلاهی آتی باشد از یکطرف میگویند که

و کلاه دو سال است یعنی قانون اساسی مینوسد باز در اصل انجمن مینوسد که ابتدای مجلس از زوری است که اینها کلبه وارد شوند بنده متعیرم که موافقت کنم یا مخالفت کنم اگر مستمک نشوم باصل قانون اساسی ایسکه نسخ شده است قانون اساسی و ما مستمک بان مینوم و از یکطرف مبینم همان را که نسخ کرده است که میگوبد عده و کلاه ۱۲۰ نفر است ۱۲۶ نفر قرار میدهیم حقیقه بنده متعیرم که موافقت کنم یا مخالفت .

حاج شیخ الرئیس - چون جناب حاج آقا

فرمودند که اگر کسی از نمایندگان شبهه مرا رفع کند اظهارنهایت میفرماید بنده عرض میکنم خیلی متعجبم بزمانیکه ایشان است باید متوجه این نکته باشند که تمام قوانین و قواعد مؤسسه مقدسه آسمانی که از طریق وحی و الهام و تنزیل ملائک و آن ترتیب است و قتیکه مصادف میشود با یک قانونی که آن قانون باید بهمان قانون آسمانی حاکم بر آن اولیه موضوعه و قوانین مشروعه است آن قوانین مشروعه را نینشود بر قوانین سابقه رفتار کرد مگر ملتفت نیستند که ضرورت و ضرر حاکم بر کلیه قوانین مشروعه است و اگر میخوانند بزبان سیاسی عرض بکنم آهای قانون حکم میکند که بر خلاف قانون حرکت شود نه بر خلاف قانون بلکه همان ضرر و ضرورتی است که به لسان شرع تعبیر میشود که آن ضرورت متعجب محظورات است بنا بر این بنده تعجب میکنم که در یک موقعی که همه احساس میکنند بنده گمان میکنم که همچو پی حس در مجلس مقدس شورای ملی نیست مگر این که به حیث تجاهل عامه جاهلان یا نمایان سخن بگویند امروز کسی نیست که انکار بکند که اگر بگوش مردمان دور بلکه بگوش کسانی هم که درم کرده هستند برسد که مجلس شورای ملی در یک جایی منفصل شده است که معلوم هم نیست کی انتخاب بعمل بیاید و نصف بعلاوه یک حاضر شود در یک حالت خیلی متزلزل که عاقبت غیر معلوم دارد منفصل شده است متزلزل نشود حالا میآیند مارا قیاس می کنند بدول خارجه جورانه عرض می کنم که قیاس مع الفارق است خیر اگر مملکت مامل سایر ممالک در عالم معارف و حق شناس و در حقوق کلیه وظیفه خودشان آگاه نبودند بنده تجویز میگردم که و کلاه ۱۶ ماه تابستان را هم بیلاق برونه ولی همانظوری که گفتند باین وضعی که امروز مشهور مادارد و باحالت تزلزل کابینه ماکه دیگر نمیشود پنهان داشت و چیزی است یعنی خلاف نژاک است که می گویم حالت آقای رئیس الوزرا چه حالت است و چه میفرماید و و کلاه چه میفرماید در همچو موقعی یگانه ملجاء و مرجع قانونی اهل مملکت صوماً مجلس شورای ملی است و هر کس تجویز بکند باینکه این مجلس شخصی شود گمان میکنم یا قاصر است یا مقصر .

متین السلطنه - بنده عقیده ام اینستکه برای

اینکه در این باب بتوان بطور آزادی مذاکره نمود بهتر است که مذاکرات بطور ملائمت ممکن است کسی عقیده اش این باشد که انفصال این مجلس امروز صلاحیت دارد و خودش را ناقص بداند و نه مقصر .

رئیس - چندین مرتبه عرض کرده ام که آقایان نمایندگان هر چه می گویند از روی عقیده است ولی

نمی دانم که چطور میشود باز تندی میکند بنده مطابق نظام نامه مجبور میشوم که جلسه یکی دودفمه اخطار بکنم و چندی است که اخطار نشده است

متین السلطنه - جای این است که عموم نمایندگان از این حسن مراقبتی که آقای رئیس میفرمایند تشکر کنند اگر در این موضوع بنا بود اول رأی گرفته شود که داخل در مذاکرات بشوم یا نه بنده عرض میگردم که هیچ داخل در مذاکرات نباید شد بجهت اینکه هر چیزی که در مجلس مقدس مذاکره میشود بالاخره پس از مذاکرات مخیر مآخذ رأی میشود و در این مسئله هم پس اعم از اینکه امروز باشد یا فردا رأی خواهیم داد زیرا اینکه مجلس شورای ملی امتداد داشته باشد یا نداشته باشد ابقاء شود یا منقض شود و من گمان نمیکنم که هیچ پارلمانی چنین رأی داده باشد و خود را ابقاء کند این یک چیزی است که نظیر تاریخی ندارد ولی نظیر بشکلهای دیگر داریم آن آنوقتی است که رئیس قوه مجریه و هیئت دولت صلاح میدانند مجلس باقی نباشد ملت اعلان می کنند تفکیک میکنند و بطریقه قانونی وارد میشوند و از ملت رأی میخواهند و نمایندگان باقی میدانند ولی نمایندگان نمیتوانند رأی بدهند که ما باید خودمان باشیم در اینجا چندشق پیدا میکنند اولاً باید دانست که غرض موافق و مخالف هر دو یکی است و مقصود هر دو حفظ این اساس است اینکه موافق است از یک نقطه نظر است آنکه مخالف است از یک نقطه نظر دیگر است و اغلب مطالب سیاسی همینطور است که طرف خطرناک پیدا میکنند آن کسیکه میگوبد من منضم شدم تصور میکنند که این اساس با انفصال بهتر میشود یعنی مردم زودتر انتخابات را از روی رضا و رغبت میکنند آن یکی که میگوبد منضم نشود باز نظرش این است که اگر این مجلس باشد زودتر انتخابات بعمل خواهد آمد و این مجلس وقتی که باشد علاوه بر نظارت در امور مشوق لزوم میشود که زودتر انتخابات بعمل بیاید پس هر دو نظر از برای یک مقصودی است بنده خودم عقیده ام این است که اگر این مجلس منضم شود انتخابات آتیه بهتر باشد حالا بر خلاف واقع شود غیر از اینستکه در این عقیده خود ثابت باشم و در این عقیده خیلی ثابت هستم ولی اگر اکثریت بر این باشد که مجلس ابقاء باشد آنوقت مثلا فرمایش آقای حاج آقا را قبول نخواهم کرد که اگر اکثریت بر این باشد که مجلس باشد ایشان نخواهند آمد بنده اینطور نخواهم کرد و شاید بیایم ولی اگر نباشد ابقاء بشود باید بطریقه قانونی بشود نه اینکه اینجا بلند شویم رأی بدهیم که خودمان اینجا باشیم این طریق قانونی نیست باید دید سایر ممالک چه کرده اند ما هم آن کار را بکنیم تلگرافات از تمام نقاط ایران یک طریقه ابقای مجلس است اما در صورتیکه آن تلگرافات عمومی باشد چنانچه ملاحظه فرمودند این تلگرافات تمام از نقاط شمال است یک تلگراف از حدود جنوب و مغرب و سایر نقاط نیست بنده نمیتوانم بگویم که میتوان این را که شا همانطور که وکیل بودید باز هم همانطور باشد تاو کلاه جدید بیایند میخواهم بدانم این صحیح است یا صحیح نیست بنده بنظر میآید که صحیح است و عیبی نداشته باشد بنده گمان میکنم قبی که هست

آقا شیخ رضای دهخوارقانی - صحبت

در این است که از نقاط مملکت تلگرافات و هراسی رسیده است که این مجلس امتداد یابد چنانچه آقای متین السلطنه اظهار کردند باید ترتیب قانونی باشد بنده نظرم اینطور میباشد که صحبتان در این نیست این مجلس را که عبارت از این هیئت مرکب باشد در این بدیم که امتداد یابد یا رأی ندهیم امتداد نیاید چون آن متنی که سابقاً این هیئت را انتخاب کرده بودند در این موقع باریک لازم دانستند که امتداد یابد این بود که محضر والا حضرت اقدس و هیئت وزراء و مجلس تصویب کرده اند که این مجلس امتداد یابد صحبت ما راجع است باینکه آیا لازم است قوه مقننه که هنوز هم از قوه مقننه بودن نیفتاده است در این نقطه نظر است آنکه مخالف است از یک نقطه نظر دیگر است و اغلب مطالب سیاسی همینطور است که طرف خطرناک پیدا میکنند آن کسیکه میگوبد من منضم شدم تصور میکنند که این اساس با انفصال بهتر میشود یعنی مردم زودتر انتخابات را از روی رضا و رغبت میکنند آن یکی که میگوبد منضم نشود باز نظرش این است که اگر این مجلس باشد زودتر انتخابات بعمل خواهد آمد و این مجلس وقتی که باشد علاوه بر نظارت در امور مشوق لزوم میشود که زودتر انتخابات بعمل بیاید پس هر دو نظر از برای یک مقصودی است بنده خودم عقیده ام این است که اگر این مجلس منضم شود انتخابات آتیه بهتر باشد حالا بر خلاف واقع شود غیر از اینستکه در این عقیده خود ثابت باشم و در این عقیده خیلی ثابت هستم ولی اگر اکثریت بر این باشد که مجلس ابقاء باشد آنوقت مثلا فرمایش آقای حاج آقا را قبول نخواهم کرد که اگر اکثریت بر این باشد که مجلس باشد ایشان نخواهند آمد بنده اینطور نخواهم کرد و شاید بیایم ولی اگر نباشد ابقاء بشود باید بطریقه قانونی بشود نه اینکه اینجا بلند شویم رأی بدهیم که خودمان اینجا باشیم این طریق قانونی نیست باید دید سایر ممالک چه کرده اند ما هم آن کار را بکنیم تلگرافات از تمام نقاط ایران یک طریقه ابقای مجلس است اما در صورتیکه آن تلگرافات عمومی باشد چنانچه ملاحظه فرمودند این تلگرافات تمام از نقاط شمال است یک تلگراف از حدود جنوب و مغرب و سایر نقاط نیست بنده نمیتوانم بگویم که میتوان این را که شا همانطور که وکیل بودید باز هم همانطور باشد تاو کلاه جدید بیایند میخواهم بدانم این صحیح است یا صحیح نیست بنده بنظر میآید که صحیح است و عیبی نداشته باشد بنده گمان میکنم قبی که هست

بطور هلهلی شده است نه بطور مخفیانه قوانین گذشته ما و قوانین مانده آنطور نیست ولیکن بنظر بنده این است که مخفی بودن و علانیه کردن راجع باخلاق مردم است ولی در موقع فوق العاده یک انتخاب فوق العاده ممکن است واقع شود چنانچه آقای حاج شیخ رئیس بهتر از بنده این را بیان فرمودند در موقع فوق العاده میتوان آن چیزی را که از روی ملاحظه اخلاق مردم است مراعات نشده مخالفت از رفتار بشود ضرر ندارد بجهت اینکه اصلاً در مشروطیت نظر با انتخاب ملت است هلی مخفی بودن مناظر انتخابات نیست و آن مخفی بودن راجع باخلاق مردم است ولی در مواقع فوق العاده میتوانند که علناً انتخاب بکنند چنانچه انتخاب کردند و اشکال دیگری که بنظر میآید این است که آنها تیکه از نقاط مختلفه مملکت عراض و تلگراف کردند جمع قبلی هستند و فلان و فلانجا هستند عرض میکنم این مملکت بطور تقسیم بچهار ایالت است تقسیم شده است آذربایجان و کرمان و خراسان و فارس همه میدانند نفوس آذربایجان و خراسان بیشتر از همه نقاط است آذربایجان و خراسان که دیدید عراض و تلگرافات آنها را مابنه این ایالات این دو ایالات نفوساً از ایالات دیگر بزرگ ترند و شاید میتوان گفت که ایالت کرمان ربع یا خمس آذربایجان نشود اینکه فارس و طهران و سایر نقاط هم که در این خصوص نوشته اند در واقع اگر ملاحظه بفرمائید مبینید که اکثریت ملت این امتداد را خواسته اند و این انتخاب هلی را کرده اند پس از ملاحظه روح مشروطیت این ابقای تیکه خواسته اند و این انتخاب تیکه کرده اند صحیح است و اشکالی نیست و آنچه آقای فرزانه فرمودند که امضا های آنها معلوم نیست که امضای کیست یا آنکه امضا نکرده اند ممکن است که ایالات از آذربایجان و خراسان بخواهیم تا امضاء هر یک یک یک برسد آن وقت غیر مستبدین همه حاضر بشوند و بگویند همه امضاء بکنند که مجلس باقی ماند گذشته از این بعضی نقاطیکه هنوز خبری از آنها نیست بعضی از آقایان متوجه اند که ملاز گردستان تلگراف نکرده اند اما ندران هم نکرده اند اینها مبادید چرا کرده برای اینکه هنوز حالشان اصلاح نشده است اگر آنها یک فی الجمله اصلاحی بحالشان شده بود محققاً تمام آزادی خواهان آن طور بکنند باید تلگراف بکنند میگردند ولی متأسفانه آنطوری که باید اصلاح بشود نشده است و هنوز آنها را در حال خوف و خطر هستند و نمی توانند شاید اگر این تلگرافات و عراض را آنها هم میدیدند باین حالت حالبه باز تلگرافات بکنند پس این اشکالات که کردند بنظر بنده درست نمی آید پس تمديد مجلس از این نقطه نظری که عرض کردم انتخابات اهالی ولایات باشد این یک جهت که عرض کردم برای لزوم مجلس گواه دیگر هم هست که بخود مجلس حق داده شده است بجهت اینکه آن ماده قانون اساسی که تغییر دادند و از این رو مجلس اختیار دارد هر وقت لازم دانست تمديد بکند آن مدتی را که خود قوه مقننه قرار داده است همان قوه مقننه از میان نرفته است و همان قوه مقننه می تواند تمديد کند بجهت تاریخی موقع لزوم این دو جهت بنظر بنده مستلزم تمديد است دیگر بیش از این لازم نمی دانم عرض کنم و در آخر

حاج شیخ اسدآبادی - به اگر چه این

مطلب جای هیچ انکار نیست که انجمن مجلس شورای ملی خیلی باوضه حالبه شاید احتمال بعضی اشکالات که در آتیه پیش آمد برای مملکت باشد این را نمی توان منکر شد اما می خواهم به بینیم که مجلس یعنی چه آن وقت این تلگرافات این مجلس می تواند مجلس باشد بانه مجلس شورای ملی عبارت است از اجتماع یک عده نمایندگان که از ایالات و تمام ولایات مملکت انتخاب میشوند از برای یک مدت معینی که در آن قانون انتخابات نوشته شده است مثلاً در آن قانون انتخابات که همین مجلس شورای ملی بوجوب آن قانون منتخب و معین شد تعیین کرده است دوره انتخابات و کلاه دو سال تمام است اما دیگر قانون اساسی و نظامنامه انتخابات بکی ساکت است از این مطلب که اگر یک همچو موقعی پیش آید می توانند امتداد بدهند یا نه بعد از اینکه معین شد و معلوم شد که مجلس عبارت از این عده نمایندگان هستند که باین ترتیب معین شده اند برای دو سال معین مقتضای قانون نیست که در آخر دوره دیگر از انتخابات منضم و تمام میشود بعد اهالی آذربایجان و خراسان و اطراف دیگر که این تلگرافات را کرده اند حساب آنها معلوم است اما حسابات یک آذربایجانی تمام این نمایندگان را نمایند میکنند خیر بنده عقیده ندارم اینطور باشد با وجود اینکه انجمن مجلس شورای ملی را خیلی مشکل و بد میدانم باین معنی که در انجمن مجلس خیلی خطرات پیش خواهد آمد ولی آیا احساسات آذربایجان و خراسان و اطراف آیا احساسات آنها یا نصف مملکت و کلاه را می تواند وکالت بدهد که مجلس شورای ملی رسمیت داشته باشد بنده چنین تصور نمیکنم که اینطور باشد مثلاً اهالی آذربایجان که تلگراف کرده اند نمایندگان آنها بسمت نمایندگی ممکن است که در مجلس باشند نمایندگان آنجاهای که تلگراف کرده اند خراسان همچنین سایر جاهای دیگر که احساسات ملی آنجا معلوم شده است نمایندگان خود آنجا وکیل هستند بهمان ترتیبی که نوشته اند تا وقتیکه نصف بعلاوه یک حاضر شود اما سایرین بتلگراف آذربایجان میتوانند خودشان را نمایندند بدانند بنده یا جمعی دیگر از طرف آذربایجان و خراسان که نمایندند نیستیم اگر چه فرق نمیکند نمایندند تمام ملت هستند این صحیح است اما نه اینکه اهالی خراسان رأی بدهند بنده باز نمایندند باشم این صحیح نیست نمایندگان خراسان حق دارند نمایندند باشند یا موقتاً یا غیر موقت تا اینکه نصف بعلاوه یک حاضر شوند ولی اینطور نیست که آذربایجان و یا خراسان که نمایندند نیستیم اگر چه فرق نمیکند نمایندند تمام ملت هستند

این صحیح است اما نه اینکه اهالی خراسان رأی بدهند باز نمایندند باشد این صحیح نیست نمایندگان خراسان حق دارند نمایندند باشند یا موقتاً یا غیر موقت تا اینکه نصف بعلاوه یک حاضر شوند ولی اینطور نیست که آذربایجان یا خراسان یا نصف مملکت یا دولت مملکت تمام نمایندگان مجلس را بتوانند نمایندند بکنند به ممکن است در صورتی که هیئت دولت نظریاتش موافق باشد و هیئت مجلس هم موافق باشد مثل اینکه عقیده خودم اینستکه انفصال مجلس خیلی بد است و انجمن و انفصال مجلس خیلی ضرر است در همچو موقعی ولی این عقیده بنده را وکیل نمیکند که رأی بدهم مجلس باشد و این رأی بدهم را وکیل نمیکند بعد از اینکه موافق باشد نظریات هیئت دولت با احساسات سایر اهالی مملکت که باید مجلس باقی باشد هیئت دولت استخراج بکنند از سایر ولایاتی که تلگراف نکرده اند است بینند عقیده آنها چیست اگر تمام مملکت متفق شده اند آیا آنکه نصف یا دو ثلث آنها اتفاق کردند که مجلس باقی باشد میتوان مجلس را امتداد داد اما باین تلگرافات معینی که از چهارمجلس یاد معجل آمده است باین تلگرافات نمیتوان مجلس را امتداد داد .

رئیس - بنده می بینم اغلب از آقایان خسته شده اند و عده کافی هم برای مذاکرات نیست اگر مغالمی نباشد باقی مذاکرات بماند برای فردا و پس فردا چون روز دوشنبه هم جلسه خواهیم داشت (اظهار شد بهمین ترتیبی که اجازه خواسته شده)

رئیس - اجازه امروز برای فردا ممکن نیست اعلان میشود هر کس که میخواهد اسم خودش را بنویسد دستور مجلس فردا مذاکرات راجع به امتداد مدت مجلس - رایورت کمیسیون فوائد عامه راجع به قانون شرکتها - راجع بقانون منع احتکار راپورت فوائد عامه راجع براه اهواز هم قمر راپورت کمیسیون بودجه راجع بباریاب نصف الله و ابتهاج السلفه و حسام همایون .

حاج سیدابراهیم - بنده متعجبم با راپورت کمیسیون فوائد عامه راجع براه اهواز بجهت اینکه دو روز دیگر یا بیشتر رسمیت نداریم اگر بنا شود آنها جزه دستور بیاید کارهای مهم مبدانند گمان میکنم باید اینچور مطالب در دستور نباشد .

رئیس - رأی میگیریم که راپورت فوائد عامه راجع براه اهواز جزه دستور باشد یا نباشد آقایانی که تصویب میکنند جزه دستور باشد قیام نمایند (هده) قلیلی قیام نمودند .

رئیس - تصویب شد .

ناصر الاسلام - راپورتی از کمیسیون بودجه مجلس رسیده است چنانچه سابقاً هم مخیر کمیسیون دستور العمل دادند راجع بان عده که از طرف دولت جزئی حقوقی درباره شان منظور شده است جزه دستور بگذارند و راپورت آن هم آمده است او را هم جزه دستور بگذارند بیک برای ار مجلس بگذرد .

رئیس - برای روز دوشنبه جزه دستور میشود (مجلس تقریباً دو ساعت از شب گذشته ختم شد)